

در امر کانون

شمارهٔ شانزدهم/سال بیست و دوم/چهارشنبه ۲۵ جدی ۱۳۹۲/۱۴ ربیع الاول ۱۴۳۵/۱۵ جنوری ۲۰۱۴/شمارهٔ مسلسل ۹۶۵

میلاد فرخندهٔ حضرت سرور کائنات، رسول خدا محمد مصطفی صل الله و علیه و سلم به تمام مسلمانان جهان وعالم بشریت خجسته و مبارک باد

**در یغــا که بی ما بسی روزگار
بسا تیـــر و دیمـا و اردیـبـهشت**
**بروید گل و بشگفتد نوبهار
بباید که ما خاک باشیم وخشت**
مصلح الدین سعدی رحمه الله علیه

افغانستان برندهٔ جایزهٔ بازی جوانمردانهٔ فوتبال

۱۳ جنوری /زوریخ- صدای امریکا:افغانستان برای نخستین باردر تاریخ ۸۰سالهٔ فوتبال آن کشور، جایزهٔ فوتبال بازی(جوانمردانهٔ ۲۰۱۳) فیفا رااز آن خود کرد. این جایزه هر سال از طرف فدراسیون بین المللی فوتبال یافیهابه کشوربا بیشترین دست آوردهادرعرصهٔ فوتبال، اهدا میشود.

جایزه طلایی رنگ جوانمردانهٔ فوتبال، شام دوشنبه ۱۳ماه جنوری درمقر فیفا درشهرزوریخ سویس به کرام الدین کریم، رئیس فدراسیون فوتبال افغانستان تفویض شد. وی حین تحویلگیری این جایزه گفت فوتبال درافغانستان نقش سازندهٔ رادر تقویهٔ وحدت ملی و آوردن صلح واقعی بازی کرده است.



آقای کرام حین گرفتن جایزهٔ طلایی رنگ فیفا فدراسیون فوتبال افغانستان درسال گذشته دستاوردهای چشمگیری داشت وازجمله کسب لقب قهرمانی فوتبال کشورهای جنوب آسیادرصدر آن قرار دارد. باپیروزی تیم ملی، مردم درولایات مختلف شایانه به جاده هار یختندو طفل، جوان، پیر، اعم از زن و مردرد کنار هم پیروزی تیم کشورش شانرا جشن گرفتند. مدتی پیش، سب بلاتر رئیس فدراسیون بین المللی فوتبال گفته بود (اگر هنوز هم کسانی استند که به توانایی فوتبال دریکجا سازی جوامع تردید دارند؛ به افغانستان نگاه کنند).

راه اندازی و تقویت لیگ برترفوتبال افغانستان، کار کردهای فدراسیون فوتبال درعرصهٔ بانوان، راه اندازی لیگ فوتبال بانوان، تلاش برای رشد فوتبال درولایات وویژه کار کردهای فوتبال افغانستان دربخش فوتبال پایه وراه اندازی نخستین بازی دوستانهٔ فوتبال با تیم ملی پاکستان در کابل، از جمله دست آورد هاست که در کسب این جایزه، فوتبال افغانستان را کمک کرده است.ازسوی دیگر، رقابتهای چلنج کپ آسیادرپیش است ودرصورت قهرمانی تیم ملی فوتبال افغانستان، آن کشورخواهدتوانست برای نخستین بارمستقیماراهی رقابت های جام فوتبال ملت های آسیا شود.

فعالان مدنی خواستار امضای موافقتنامه امنیتی با امریکا شدند

۱۵ جنوری /کابل- بی بی سی:دههاتن فعال مدنی ودانشجویان در تجمع اعتراضی دربرابرمقر پارلمان افغانستان، خواستار امضای موافقتنامه امنیتی با امریکا شدند.به باور معترضان، عدم امضای این موافقتنامه باعث نگرانی مردم نسبت به آینده شده است. آنها از کرزی خواستند که آنرا امضا کند.صمد امیری به نمایندگی از فعالان مدنی به خبرنگاران گفت:از رئیس جمهور کرزی میخواهیم که به خاطر مصالح علویای افغانستان که کشوردر وضعیت نسبتا بحرانی قرار دارد، موافقتنامه امنیتی را با ایالات متحده امضا کند.او هشدار داد: اگر آقای کرزی این موافقتنامه را نپذیرود ای امضا کنند، ما این تجمعات مدنی خود را نه تنها در کابل، بلکه در ولایتها هم گسترش خواهیم داد.

شماری از نمایندگان مجلس برای شنیدن اعتراض آنها بیرون آمدند و وعده دادند که پیام آنها را به رئیس جمهور خواهند رساند.معترضان قلم بزرگی را که بصورت نمادین برای اعتراض به تاخیر امضای موافقتنامه امنیتی با امریکا تهیه کرده بودند، به نمایندگان تحویل دادند تا به کرزی برسانند.

در پارلمان افغانستان هم نمایندگان به دودسته موافقان ومخالفان امضای این موافقتنامه هستند و در جلسه امروز مجلس نمایندگان هم پیش از آغاز بحث بر سر بودجه، این موضوع مطرح شد و هر دو طرف اظهارات تندی داشتند. شاه گل رضایی، نماینده موافق با امضای این موافقتنامه به بی بی سی گفت: وابسته بودن اقتصاد افغانستان به کمکهای خارجی و وابستگی تجهیز و تمویل نیروهای امنیتی به کمکهای خارجی از مسایلی اند که باعث شده تعدادی از نمایندگان موافق با امضای موافقتنامه شوند. عنایت الله بابر فرمند گفت تعویق امضای موافقتنامه بر سر نوشت مردم وانتخابات ۱۳۹۳ تاثیر منفی میگذارد. تاکید کرد که کرزی باید به لجبازی خود پایان دهد و آنرا امضا کند. عبدالستار خواصی از جمله مخالفان امضای موافقتنامه بود که نیروهای امریکایی را به جنایت در افغانستان متهم کرد و افزود رئیس جمهور یک مسلمان و افغان است و موضعش مثل آفتاب روشن است و خواستار توقف عملیات این نیروها و تامین صلح است. خواصی نیروهای امریکا را متهم به کشتن عاغیر نظامی در ولایت پروان کرد و افزود: اگر ما انکابه خارجی ها داشته باشیم، ذلیل میشویم، و این ذلت را ما قبول نمی کنیم.

محل رهایش برای بزرگسالان باقیمت خیلی مناسب

این مجموعهٔ رهایشی به نام **Borllesla Palms** در منطقهٔ تاریخی شهر مارتینز موقعیت داشته، و با واحدهای مسکونی یک اتاق خوابه مجهز میباشد. مقدار کرایه ۲۰٪ کل عاید خانوادهٔ علاقمند به سکونت درینجاست. بعضی شرایط دیگر نیز وجود دارد. برای دریافت تقاضانامهٔ مربوطه لطفاً به وبسایت وب یا شمارهٔ تلفون ذیل مراجعه گردد :

3898 463 (925) www.rcdev.org/housing

افغان مینی مارکیت و نانواپی

عرضه کنندهٔ انواع مواد خوراکهٔ وطنی

کتاب ارزندهٔ سیرتاریخ

هنر در افغانستانART THROUGH AGES IN AFGHANISTAN

تألیف استاد حامد نوید به زبان

انگلیسی در دو جلد موجود است.

علاقمندان با ما تماس بگیرند

ارسال پول به تمام دنیا

به زودترین فرصت با

Western Union

6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150

Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

خُرْم، طالبان را خُرْم می سازد!

اول جنوری/ کابل -امید: نیو یارک تایمز خبر مفصلی بقلم روزنبرگ راجع به امکان آزاد شدن زندانیان خطرناک از زندان بگرام نشر کرده، که در اخیر آن آمده: شخصتهای رسمی که نمی خواهند نام شان افشا شود، گفتند هدف عمدهٔ آزاد کردن زندانیان خطرناک، به تأخیر مزید امضای پیمان امنیتی افغانستان و امریکا ست، که هدف عمدهٔ عبدالکریم خرم، رئیس دفتر کرزی است. او برای دور کردن افغانستان و ایالات متحده سخت میکوشد.

دوسه های زندانی های بگرام دوباره باز می شود

۱۳ جنوری/ کابل - صدای امریکا: کمیته بررسی دوسه های زندانیان بگرام میگویدطبق گزارش امنیت ملی، ارزیابی دوسه های ۸۸ زندانی رامجدداً آغاز کرده تا تکلیف دوسه ها روشن شود. در حالیکه مسئولین کمیسیون عدلی و قضایی ولسی جرگه تصمیم گیری در مورد رهایی یاعدم رهایی این زندانیان راتنها از صلاحیت نهادهای عدلی و قضایی افغانستان می دانند. عبدالشکور دادرس عضو کمیته بررسی دوسه های زندان بگرام امروز گفت بررسی این دوسه ها برابر وزشنبه ۱ ماه جدی آغاز شده و تلاش بر اینست که هر چه زودتر کار ارزیابی دوسه ها تکمیل شود. او افزود کمیته عدلی وقضایی هدایت دادند که برابورتر تیب شده ریاست عمومی امنیت ملی باید کمیته کار بکنیم، کار ما آغاز شده، مصروف کار استیم. دادرس در مورد اینکه برای ارزیابی دوسه ها به چه مدت زمان نیاز است چیزی نگفت اما تاکید کرد که تلاش میکنند هر چه زودتر در این مورد فیصله صورت گیرد.

محمد عبده، منشی کمیسیون عدلی وقضایی مجلس به رادیو آشنا گفت در مورد رهایی یاعدم رهایی زندانیان بگرام مقامات حکومتی تاجای باعجله تصمیم گرفته و در این زمینه برخورد ها بیشتر تبلیغاتی و سیاسی بوده است.

کمیسیون رسیدگی به این دوسه هاو کرزی خبر داده بودند که بررسی دوسه ها تکمیل شده و فقط ۶ تا تعقیف شده دارای اسناد جرمی میباشند. اما مقامات امریکا ابراز نگرانی کرده از حکومت افغانستان خواسته اند تا دوسه های آنها را دو باره پیگیری کنند. دوسانتور پلتر نفوذ امریکاهمراه با فرماندهٔ قوای ائتلاف در افغانستان این موضوع را با کرزی در میان گذاشتند. کمیسیون رسیدگی به این دوسه ها مشخص نساخت که چه دلیلی باعث شد تا به بررسی مجدد تمام دوسه ها بپردازند.

رهایی این زندانیان واکنش شماری از اعضای پارلمان و خانواده های قربانیان حملات انتحاری و بمب گذار بهارادری داشت. مسئولین کمیسیون عدلی و قضایی مجلس تجدیدنظر در مورد دوسه های ۸۸ زندانی را بهادادن به اعتراضات، پرسشهای حقوقدانان و سروصدا های جامعه مدنی، پارلمان و خانواده های قربانیان حملات انتحاری وبمب گذار به امیداند. محمد عبده منشی کمیسیون عدلی و قضایی مجلس در این مورد به صدای امریکا گفت کمیسیون در قسمت دیدن، گرفتن لست، شناسایی افراد و پرسشهای ابتدایی ممکنست صلاحیت داشته باشد، اما در قسمت گرفتن تصمیم نهایی در مورد سر نوشت زندانیان به هیچ وجه به اساس قانون اساسی افغانستان صلاحیت ندارد.

به اساس گزارشیکه امنیت ملی ارایه کرده، در قبایل ۲۷ زندانی اطلاعاتی وجود دارد، برخلاف ۱۶ زندانی از میان ۸۸ تن، اسنادو مدارک جرمی وجود دارد و در مورد ۵ تن هیچ مدرکی وجود ندارد.

رئیس عمومی پلیس ترافیک موقوف شد

۱۴ جنوری/ کابل -افغان پیر:وزیر امور داخله، رئیس عمومی پلیس ترافیک را برکنار کرد. به گزارش طلوع، گفته میشود که وزیر امور داخله به رئیس عمومی پلیس ترافیک مهلت داده بود تا طرحی برای بهبود ترافیک در پایتخت ارایه دهد، اما با پایان یافت این مهلت، وزیر کارهای رئیس ترافیک را قناعت بخش ندانسته وی را برکنار کرد. وزارت داخله محمد شفیق راسپرست این ریاست تعیین کرده است.

مذاکرات مخفیانه حکومت و مخالفین بی نتیجه ماند

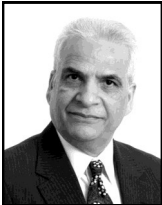
۱۴ جنوری/ کابل -افغان پیر: مذاکرات مخفیانه حکومت و مخالفین مسلح در دوی امارات متحده نتیجه نداده است. ۲۰ وزیر کابینه کرزی این مذاکرات را به نمایندگی از حکومت افغانستان به پیش برده اند و شماری از سران طالبان که به تازگی از سوی حکومت پاکستان رها شده اند نیز در مذاکرات اشتراک داشتند. به گزارش تمدن، آسوشیتدپرس به نقل از یک رهبر طالبان گزارش داد که این مذاکرات پس از آن انجام شده است که پاکستان شماری از مقامهای طالبان را با هدف پیشرفت در روند صلح با مخالفین آزاد کرده بود. این مقام طالبان که نخواست نامش افشا شود، گفت: محور گفتگوی دو طرف مصالحه و آشتی بوده اما توافقی میان دو طرف صورت نگرفته است. او تاکید کرد که آنان پس از خروج نیروهای خارجی نیز به جنگ خود علیه حکومت ادامه خواهند داد.

اجساد یک زوج جوان از چاه پیدا شد

۱۵ جنوری/ جوزجان - آژانس خبری کوکچه:عبدالمنان روفی سخنگوی پلیس جوزجان گفت: اجساد یک زن ۲۵ ساله بنام عاطفه و شوهرش بنام نعمت الله ۲۶ ساله عصر دیروز پیدا شده اند. او افزود: عاطفه و شوهرش توسط دو برادر شوهرش بقتل رسیدند، افزود: عاملان این رویداد بازداشت شده اند. متهمان در نخستین اعترافات شان مکان پنهان کردن اجساد را به پلیس ملی نشان دادند. آنان اجساد را در یک چاه در قریهٔ ینگي اریغ در مربوطات شهر شبرغان انداخته بودند. گزارشهایی وجود دارد که این زوج به کارهای غیر مشروع وفحشاء دست میزدند که این موضوع تا هنوز از سوی مسئولان امنیتی جوزجان تأیید نشده، اما سخنگوی پلیس میگوید تحقیقات بگونه جدی جریان دارد. این زوج ۲ کودک خرد سن بچامانده، و تا کنون علت وانگیزه این قتل دقیقاً مشخص نشده اما گفته میشود خشنو نهایی خانوادگی سبب وقعی این رویداد گردیده است.

بیمه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR, STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224



ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتو، صحت
حیات، تجارت

انگلیس به افغان «خدا ناباور» پناهندگی داد

۱۴ جنوری /لندن- بی بی سی:دولت بریتانیا به یک مرد افغان به دلیل تهدید احتمالی ناشی از انکار وجود خدا پناهندگی داد. وزارت کشور بریتانیا اعلام کرد درخواست پناهندگی یک شهروند ۲۳ ساله افغان را، که نام او فاش نشده، پذیرفته است زیرا این احتمال وجود داشت که در صورت بازگرداندن اجباری او به کشورش، بخاطر عدم اعتقاد دینی مورد اذیت و آزار قرار گیرد. این نخستین بار در بریتانیاست که با درخواست پناهندگی یک فرد بر اساس خطرات ناشی از انکار وجود خدا موافقت می شود و تصمیم وزارت کشور درین زمینه میتواند مبنایی جدید را برای رسیدگی به درخواستهای پناهجویی ایجاد کند. تصمیم برای قبول درخواست پناهندگی این شهروند افغانستان قبل از ارسال پرونده به محکمه رسیدگی به تقاضاهای پناهندگی اتخاذ و اعلام شده است. این فرد که در خانوادهٔ مسلمان تولد شده، به دلیل درگیری نظامی در کشورش در سال ۲۰۰۷، ۱۶ سالگی به بریتانیا آمد و در آن زمان به او اجازه اقامت موقت تا سال ۲۰۱۳ داده شد. در طول این مدت، او به تدریج از دین خود کناره گرفت و به مشرب خدا ناباوری اعتقاد یافت. از نظر برخی فقهای مسلمان، بازگشت از دین تحت عنوان ارتداد، جرم محسوب می شود و مجازاتی سنگین، تا حد کشتن فرد مرتد را به همراه دارد.

نخستین بار زنی قوماندان پلیس منطقه یک کابل شد

۱۵ جنوری/ کابل - کوکچه: جمیله بیاض قوماندان پلیس مهمترین حوزه کابل شد که بخشی تجاری بوده ومحل استقرار ادارات مهم حکومتی است. وزیر داخله برای نخستین بار در تاریخ کشور، طی فرمانی یک افسر زن ۲۵ سال سابقه کار را به قوماندانی پلیس ناحیه یک کابل تعیین کرد. جمیله بیاض که دارای درجه کلونیل است.



مقام های وزارت داخله ابراز امید کردند که انتصاب بیاض راه را برای به خدمت گرفتن زنان در ستهای بالا هموار کند. جمیله بیاض پیش ازین در دفتر آن وزارت در کابل فعالیت می کرد. هم اکنون ۱۵۰۰ پلیس زن در افغانستان خدمت میکنند و سخنگوی وزارت کشور اعلام کرد تعداد آن ها به ۱۰هزار نفر خواهد رسید و زنان پلیس به پست های امنیتی بالاتری نیز منصوب خواهند شد.

یک خانم در پنجشیر ۵ کودک به دنیا آورد

۱۱ جنوری/ پنجشیر- کوکچه:داکتر اکبر جان مسئول شفاخانهٔ ایمر جنسی ولایت پنجشیر گفت: یک خانم که ۵ سال عمر دارد و باشنده اصلی گلبهار ولایت پروان است؛ در نخستین ولادتش در این شفاخانه ۵ طفل به دنیا آورد. همه اطفال دختر اند و صحت منسو سالم بدنيا آمده و تحت مراقبت جدی داکتران قرار دارند. وی افزود یک هفته بخاطر کنترل صحت شان این اطفال در شفاخانه نگهداری و مراقبت خواهند شد. نخستین بار است که چنین واقعه در شفاخانه ایمر جنسی ولایت پنجشیر رخ داده است. این ولادت، از نادرترین وضع حمل در کشور به شمار می رود.

به ۲۸ طبیب طب سنتی جواز نامه داده شد

۱۱ جنوری/ کابل - باختر: وزیر اطلاعات وفرهنگ امروز در مراسم توزیع جواز نامه برای ۲۸ طبیب طب سنتی، این طب را مایه بزرگ از طب نبوی (ص) خواند. دا کتر سیدمخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ افزود: طب قدیم ما، مایه بزرگ از طب نبوی دارد، پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) بر علاوه آنکه آموزگار، پیشوا، رهبر بود، طبیب بزرگ هم بود و طب نبوی مایه الهام طبیبان بزرگ سرزمین ماست. دا کتر رهین افزود: طب ما بر خوردار از فواید هوشناسی هندی، از افکار و آثار طبیبان هندی و طب چین ونیز طب سرزمین ما از افکار و دانش فرزندان عالم این کشور چون ابوعلی سینا بلخی مایه گرفته و رشد نموده است. امروز زمینه مساعد شد که با طبیبان موفق، طب قدیم را به تجلیل بنشینم دنبال طب قدیم خویش را بگیریم که هر قدر طبابت با طبیعت نزدیکتر شود به همان اندازه مفید است. یکی از برترهای طب قدیم همین بوده که به طبیعت نزدیک بود امروز بشردر آغاز قرن ۲۱ باز هم به طبیعت و داروهای طبیعی رو آورده است.

درین مراسم داکتر فیض الله کاکروزیر مشاور در امور صحت وتعلیم پیرامون فواید طب سنتی با طب قدیم، چگونگی آموزش طبیبان این عرصه، چگونگی اخذ امتحان از طبیبان طب قدیم و توزیع شهادت نامه واعطای جواز نامه برای آنها صحبت نمود.

در اخیر ۲۸ طبیب طب قدیم که توانسته اند معیارهای لازم را برآورده سازند جواز فعالیت دریافتند. ازین میان ده نفر هموطن هندو ما هستند.

هفت طالب مسلح کشته شدند

۱۴ جنوری/ کابل - باختر: نیروهای امنیتی در ۲۴ ساعت گذشته چند عملیات تصفیوی را در ولایت های بغلان، زابل، ارزگان و فراه اجرا نمودند که در نتیجه هفت طالب مسلح کشته ، سه طالب زخمی وشش تن آنها بازداشت شده اند. در عملیاتها مهمات و مواد انفجاری نیز بدست نیروهای امنیتی افتاد. همچنان پلیس ملی سه حلقه مابین کارگذاری شدهٔ طالبان را از ولایت ارزگان کشف و خنثی نمودند. نیروهای پلیس کابل نیز دیروز سه تن را به اتهام دزدی از مربوطات حوزه های دوم، هشتم وسیزدهم گرفتار نموده اند.

محمدطاها کوشان فریمونت ـ کالیفورنیا **گلبدین. ملا ماد اوامر ویروان شان مفضوب علیهم و النضالین اند**
هین کژ و راست می روی باز چه خورده ای بگو مست و خراب می روی خانه به خانه کو به کو حضرت مولانا(رح) هین روش برگیر وترک ریش کن درفنا و نیستی تفتیش کن حضرت مولانا(رح)

خمیرانسان رابه دستورخدای یگانه، ملائک اچارعنصرآب، آتش، بادو خاک،وبادوخوی انسانی وحیوانی سرشتند، وخدای بخشنده مهربان روح یاجان را خودش، بدون واسطه، به انسان ارزانی داشته وهدیّه داده است.ازین روخوی انسانی، باکسب دانش وپژوهش وکند وکاو به مدارج والا و بالای شخصیت انسانی میرسد .

درمقالات قبلی جستنه وگریخته براهینی همه ازقرآن شریف آوردیم که دین اسلام دینی است ملایم وخدوایامیربرش فرموده که دین وسط، نه زیاده نه کم. وهیچگونه فشاردوقبول کردن این دین حنیف وجود ندارد، وظیفه مسلمان تبلیغ وکار کرد است تا دیگران ببینندو پیسندند وبگروند، نه اینکه ببینندو بترسند وبگریزند.

هرروزحدقل ۳۲بارسورة الفاتحه شریف رامیخوانیم :بنام خداوند بسیار مهربان وبخشنده . پرستش مینمایم خدای همه جهانیان را. تنها ترامیرستم وتنها ازتوباری میخواهم. مرابه راه راست راهنمایی فرما. آن راهی که بخشندگی فرموده ای، نه آن راه که برآنها خشمگین شده ای، وگم کرده راهان .

وخوی حیوانی هرقدریکه انسان درخود فرومیرود وخویشتن رادر لاک قبیله وقوم میپیچاندو ازکسب دانش وپژوهش دوری نموده باخودزندگی می نماید؛خوی حیوانیش بالارفته ویی توجه به دین، ناموس، همنوع وهمسایه ووو بی پروا و روزتاروزخونخوارتر، زشتروخشمگینترگشته وبه گناهکاری وظلم ویدانشی نزدیکترشده تامیشودگلبدین وملا ماد اوامر ویروانشان. که هم شرم دین هم شرم قوم وهم شرم انسانیت اند.

اینگونه اشخاص به هیچکس گوش فرانی دهدوهرآنچه که تراوش ذهنش باشدودستوربادارانشان یعنی شیطاین الرحیم: ملاها و آی اس آی پاکستان و وهابیون سعودی وانگریزوامریکا، به آن سخت می نازدومی بالدومی کشدو آتش میزند و زجر میدهدو مردم رازا راه خدا ودین خدا دورترمی دواند. خداوندمیگویدخشم خودرافرو بنشان، اینهاروزیدترازایش خشمگینترمی شوند؛ خداوندمیفرمو مابدلصلح کن: اینهاروزروزی میکشند و ویران میکنند؛ خداوند میفرمومایدتیمان رادستگیری نمائید، اینهاروز تا روزتیم می آفرینند وکوتاه سخن اینکه این گروه ضالّه هرچه نیکی را که خداوندسودنموده، ازیادبرده اندوهر چه دستوربه نا کردن آن فرموده، اینها انجام می دهند.

تائیسث نگردی، ره هستث ندهند
این مرتبه باهمت پستث ندهند
چون شمع قرارسوختن گرندی
سررشتهٔ روشنی به دستث ندهند

فردا که محققان هرفن طلبند
حُسن عمل ازشیخ وبرهنم طلبند
ازآنج دروده ای، جویِ نستانند
وزآنج نکشته ای به خرمن طلبند
شیخ بهایی
وبه فرموده حضرت سعدی (ح):ایکه گفتی مرو اندر پی خوابان زمانه

باهم ازسوره یوسف میخوانیم آیات ۱۱ تا۱۰۸
باباهره گیری ازتفسیر نمونه.
وَتَفْسِيرِ شَهْوَیْهِ کَالِی: قُلْ هَذِهِ سَبِيلُ اَدْعُوْا اِلٰی اللّٰهِ عَلٰی بَصِيْرَةٍ اَنَا وَّ مِنَ اتَّبِعَنِ و سَبِيْحَ اللّٰهِ و مَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ(۱۰۸)
بگو این راه من است که من ویروانم بابصیرت کامل همه مردم راسوی خدا دعوت می کنیم، منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم .

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِيْ اِلَيْهِمْ مِنْ اَهِلِّ الْقُرْىِ اَ قَلَمٌ يَّسْبِرُ اَوْ فِى الْاَرْضِ يَنْظُرُ اَوْ اَكْبَدُ كَانَ عَقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ و لَدَارُ الْاٰخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ اٰتَقَوْا اَفْاَلَا تَعْقِلُوْنَ(۱۰۹)
وماقترسناذیم پیش ازتو جز مردانی از اهل شهرها که وحی به آنها میگردیم، آیا(مخالفان دعوت تو) سیرد زمین نکردند تائیسثند عاقبت کسایکه پیش ازآنها بودند چه شد؟ و سرای آخرت برای پرهیز کاران بهتبر است، آیا فکرنبی کنید؟!حتی اِذَااسْتَيْسَسَ الرَّسُلُ و ظَنَّنَا اَنَّهُمْ قَدْ كَذَبُوْا جاءَهُمْ نَصْرًا مِّنْ رَبِّهِمْ و نَشَاءُ لَّيْرِدْ بَاسِنَاعِنَ الْقَوْمِ الْمَجهَرِيْنَ(۱۱۰)(پیامبران به دعوت خودو دشمنان به مخالفت همچنان ادامه دادند)
تارَسُولان مایوس شایندو گمان کردند که (حتی گروه اندک مؤ منان) به آنها دروغ گفته اند، دراین هنگام یاری مابه سراغ آنها آمدهرکس رامیخواسیم نجات می دادیم ومجازات وعذاب ما از قوم زیانکار بازگردانده نبی شود.

لَقَدْ كَانَ فِىْ قِصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِى الْاَبْصَارِ مَا كَانَ حَدِثًا يُّفْتَرٰى وَلَكِنْ تَصْدِیْقَ الَّذِیْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيْلَ كُلِّ شَیْءٍ و هَدٰى وَ رَحْمَةً لِّلْقَوْمِ يُّؤْمِنُوْنَ(۱۱۱)
درسر گذشتهای آنهاپند واندرزبرای اندیشه خردمندان است، اینهاذاستان دروغین نبود بلکه (وحی آسمانی است و)هماهنگ است باآنچه پیش روی او(ازکتب آسمانی پیشین) است و شرح هر چیز (که پایه سعادت انسان است) و هدایت و رحمت برای گروهی است که ایمان می آورند .

درموردتعبیری که درپایان قصه های تاریخی میآورد (لآیات لاولی الباب، لکل صبارشکور،لقوم یعلمون) که همه اینهارچارچوب رسالت قرآنی است و در این راستا ارزیابی وتحلیل میگردد.[رسالت قرآن]

رسالت خطیر وعظیم قرآن رامیتوان بدینصورت ازخود کتاب الهی دریافت کرد:
۱-دعوت به توحیدوبیکاپرستی:(یاایهاالبی انا ارسلناک شاهدا وبشیرا و نذیرا وداعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا)(احزاب آیه ۴۵)
ترجمه: ای پیامبرما ترا گواه و بشارت دهنده و بیم رسان فرستادیم که دعوت کننده بسوی خدا به اذن او و چراغ فروزان فرا راه اوباشی.
۲- اخراج انسان ازظلمت شرک و کفر و ستم بسوی نورحق و عدل(کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور باذن ربهم الی صراط العزیز الحمید)، (ابراهیم آیه ۱)
ای پیامبراین کتابی است که به تو نازل کردیم تا به وسیله آن مردم را از ظلمتها به سوی روشنایی بدستور پروردگار درآوری .
(دنباله درصفحهٔ ششم)

داکترعبدالغفور روان فرهادی
سن رامون ـ کالیفورنیا
یگانه سغرا روپایی شهیداحمدشاه مسعود

بخش پایانی
بازگشت به وطن: شهیداحمدشاه مسعودبرای ادامهٔ خدمت دشوار شباروزی خود، باطیاره به افغانستان عودت کرد، ودرجنگ مقابل طالبان افغانی وپاکستانی وافرادعسکری پاکستان، فرماندهی خویش راادامه داد.

شهادت اوبصورت دسیسه آمیزازسوی دوفردازمردمان افریقای شمالی که بسته به القاعده وحاضربه انتحاریبودند، درخواجه بهاءالدین ولایت تخارواقع شد. این شهادت پنج ماه بعداز یگانه سفرومفقانه اش به اروپای غربی، بظرفداری حق آزادی افغانستان بود.

به سلسلهٔ این بیان مختصرسفر شهیدمسعودبه اروپای غربی، از آنچه بعداً به ارتباط این سفرواقع شد، بایدچندمطلب بنویسم. نخست بایدبه خاطربداریم که این شهادت۹ سپتمبر۲۰۰۱ یعنی دوروزقبل ازفاجعهٔ بزرگ ۱۱سپتمبر۲۰۰۱در امریکاواقع شد، که آنهم توسط ایجنتهای القاعده صورت گرفت. مسعود، فراتر ازمرزها: این عنوان کتابییست که درکابل درسال۲۰۰۳ بچاپ رسیده، وشامل مجموعهٔ مقالات ایرادشده درکنفرانس بین المللی مسعودشناسی میباشد، که درکابل به روزهای ۷و۸سپتمبر منعقد شد. درمقدمهٔ کتاب میخوانیم: «یکسال پیش ازرفتن او، که با همه غمایش شادمان ترازبهارهای پرگل بود، دوستدارانش درکابل گردهم آمدندو یادش راگرامی داشتند. یادونام مسعودعزیز، جاودان و متبرک باد !»(واحدانتشارات بنیادمسعودشهید(رح))
کتاب باشعر آزادمحمدحسین جعفریان، فلمسازوخبرنگارایرانی آغاز میشود :

این مردم ترا از یاد نمی برند،
وقتی، هرشب ، در آسمان ایشان می تابی...
آه مسعود، بدون تو حتی تلفظ نام افغانستان در حنجرهٔ جهان سخت است،
دلم برای صدای تان تنگ شده است
آمده ام تادرشهای طولانی(خواجه بهاءالدین) بازغهای تانرا بشنوم،
در کوچه های کابل می چرخم وبه عکس های امیدوار تان برچهارراه ها، سلام می کنم، چقدر جای تان خالی است .
قبلاجعفریان برای ملاقات شهیدمسعودخودرا به پاریس نیزرسانده بود.

درطی سخنرانهای روزاول، سخنرانی حامد کرزی، رئیس (دولت انتقالی اسلامی افغانستان) درج شده است، ویبانیّه داکترسید مخدوم رهین، وزیر اطلاعات وفرهنگ، ویبانیّهٔ مسعودخلیلی(که در وقت شهادت مسعودبهلویش حاضربود وزخمی شده بود، ودراروپا معالجهٔ خویش ار کرد. اواین مجلس را تنظیم وریاست می نمود)، سپس سخنرانی داکترعبدالله وزیرامورخارجهٔ دولت انتقالی آمده که گفت: (احمدشاه مسعودشهیدسه آرمان داشت:آزادی، صلح، سپردن حق تعیین سرنوشت به مردم... افتخاربه توملت که قهرمان هایی مانند احمدشاه مسعود رادردانت پروریدی...)

بعدازین در کتاب، سخنرانی احمدولی مسعودسفیر کبیرافغانستان در لندن، سخنرانی استادبرهان الدین ربانی رهبرجمعیت اسلامی افغانستان، سخنرانی حضرت صیغت الله مجددی، سخنرانی پروفیسر عبدالر سول سیاف آمده است. دیگرسخنرانی ها: سخنرانی پیترتامسن، پیام وزیرخارجهٔ بلجیم بزبان انگلیسی که توسط امرالله صالح قرائت شد... (احمدشاه مسعود در بروکسل با وزیر خارجه ملاقات کرده بود ودر پیام او آمده است: «او کسی بود که مظهرروحیهٔ استقلال طلبی کشورش بود. من سخت خاطرهٔ اولین ملاقاتم را بااحمدشاه مسعوددراپریل پارسال گرامی می دارم. عزم وعشق وی به خاطراستقلال کشورش بالای من اثرعمیق گذاشت.»

سپس سخنرانی آقای مذهب شاه که ازتاجکستان بکابل آمده است، گفت: وی کسی بود که پاک رأیی اسلام راثابت کرد. بعدجنرال فلیپ موریان(که مهماندارشهیدمسعوددرفرانسه بود، و برای اشتراک دراین مجلس به کابل آمده بود)سخن گفت واطهارداشت:(در جون ۲۰۰۰ من بنابردعوت احمدشاه مسعود به درهٔ پنجشیرآمدم، در میان سایرمدعوین تعدادی جنرالها حضورداشتند که درساربوی (بوسنیا) خدمت کرده بودند...وقتیکه دعوت ازطریق آقای مهرباب الدین مستان بدستم رسید، فوراًترافبول کردم، زیرا به این مردم و خصوصاً فرمانده مسعود شدیدا علاقمندبودم . وقتی من درپنجشیر خود رادربرابراو یافتم، یک مرد کاملاً آرام ومسلط برخو درادیدم که باشجاعت ومناعت دربرابرکوه عظیم مشکلات خم به ابرونیاورده بود. من یک مردخندان ونورانی ریاافتم که یک لیخنش همه مشکلات را ازین می برد...)

خانم فرانسوا گوست، نامه نگارگفت:(من در آنجا بودم واین خبر جانگداز کشته شدن مسعود رامن به مردم رساندم، واین کاراندوه باری بود.)
برت اسمون معاون سفیر امریکا(در کابل) گفت:(ازهمان آغازدر و اواخردههٔ هفتادودرجریان دههٔ هشتاداحمدشاه مسعودباانجام عملیات نظامی خود، تبدیل به یک اسطوره شده بود. ترور اوسر آغازیک برنامهٔ بزرگتر تروریستی درهمهٔ جهان بود. پس ازتراریدبهای نهم و یازدهم سپتمبر، احوال مسلما نوبدیش این است که افغانستان امیدوار به آیندهٔ بهتری می شود.)

برنارد هانری لیوی، متولد۱۹۴۸م فیلسوف معاصرفرانسوی، یکی از سخنرانانی بود که بااحساسات بیانات داد وگفت: «درکشورمامسعود یک چهرهٔ محبوب است، این مردبزرگ به فرانسویان اجازه داد که لحظهٔ مانند یک رؤیا ببینند جنرال دوگول دوباره زنده شده است. آرمان مسعوداین بود که همه اقوام افغانستان دارای حقوق مساوی باشندواین همان عنوان فلم زیبای دوپانفلی است که دربارهٔ مسعود ساخته شده است. به نام «مسعودافغان»» (که بصورت کتاب نیز بچاپ رسیده است.)

هانری دومن تسکیو، سناتورفرانسوی گفت: «برای من جای افتخار است که باشخصیتی ماننداحمدشاه مسعودآشنایی یافتم. اویکی از صفحات مششع تاریخ رابه نمایش گذاشت که هرگز از یاد مردم فرانسه نخواهدرفت. او سببوی بودبرای همه جهانیان.
 »

پیام کربستین پونسلی، رئیس مجلس سنای فرانسه:(این پیام رازا طریق سناتور هانری دومن تسکیو، که ازخدمات دیرینه اش مردم افغانستان مطلع است، به شما میرسانم . احمدشاه مسعود درسنای فرانسه (دنباله درصفحهٔ ششم)

پروفیسرداکترمحمدجلیل حنیفی
دانشگاه دولتی ایالت مشیگان
دیپارتمنت انتروپولوژی

ادامهٔ صحبت راجع به لویه جرگه درافغانستان ...

من نهایت متشکرم ازنگاه دقیق وسودمنداستادمحترم داکترروان فرهادی (امید۹۶۳) دربارهٔ ترکیب استعمار توسط لویه جرگه در افغانستان، ونظر آنهابه تاریخچهٔ عروج حکمرانی ابدالیان درسراج التواریخ(جلداول، ص ۱۰). درحاشیهٔ این صفحه نویسندهٔ سراج التواریخ منبع این تاریخچه رادر«تاریخ سلطانی ۱۸۸۱م تألیف سلطان محمدخان درانی» قید کرده است. هردومنبع سراج التواریخ و تاریخ سلطانی، درمقالهٔ ۲۰۰۴ انگلیسی اینجانب دربارهٔ استیلای لویه جرگه (صفحهٔ ۳۰۲، نوت ۳۱) درج شده است. مهم اینست که محتویات هردو کتاب دربارهٔ احمدخان ابدالی به(تاریخ احمدشاهی)(۱۷۷۳م بقلم محمودالحسینی) شباهت عضوی دارد. همچنان مؤلف سراج التواریخ واضحا(درصفحهٔ۳) از (تاریخ احمد) بقلم عبدالکریم علوی استفاده کرده است. تاریخ احمدی درسال ۱۷۹۷م نوشته شده بود.

ازاستادمحترم داکترروان فرهادی ممنونم که علاقمندان رابه دومنبع معاصر (خلاصهٔ تاریخ وطن) تألیف سیدمحمدهاشم و(لویه جرگه) تألیف داکترمحمد قاسم فاضلی معرفی کرده اند.

تاسالهای اواخرقرن بیست سراج التواریخ(خصوصاًجلدسوم) نهایت نادر بود. خوشبختانه ترجمهٔ انگلیسی درسه جلداین تاریخ دربارهٔ افغانستان توسطپروفیسر داکتر رابرت مکچیزنی Robert McChesneyدر سال ۲۰۱۳م تولیدشده وبه چاپ رسیده است، ودر بعضی کتابخانه های تدقیقی امریکا و اروپا میسراست. پروژهٔ برگردانی جلدچهارم سراج التواریخ به انگلیسی توسط داکترمکچیزنی حالادر جریان است.

تذکرهٔ شخصی و کلتوری احمدخان ابدالی نهایت دلچسپ وروشنی انداز است راجع به جریانات تاریخی وسیاسی افغانستان ومناطق دورا دور آن.جملات ذیل رابیحث مثال از(تاریخ سلطانی)،(سراج التواریخ) و(تاریخ احمد) بقلم عبدا لکریم علوی دربارهٔ خصایص هویت احمد خان ابدالی تقدیم میکنم :

تاریخ سلطانی: دریک صحنهٔ مرادوه نادرشاه افشار گوش احمدخان ابدالی را(قدری جاک کرد)(ص۱۲۱). شایدهمین جریحه دلیل آن شده باشد که احمد خان ابدالی یک گوشوارهٔ الماس رامیوشید. در کلتورهای آسیای میانه وجنوبی وشرق میانه گوش بریدن یابه گوش جریحه رساندن یک نوع جزااست، و گوشواره پوشیدن مردهاتحت بعضی شرایط یادآوری میکندازگفتهٔ(غلام حلقه بگوش)، به معنی وفاداری واطاعت مطلق .

سراج التواریخ: (حصص ۲۹-۳۰ ج اول):«درسال ۱۸۹۶ه ق مرض آکله که ازدیرسل عارض حال اعلیحضرت احمدشاه شده وینی او را بقراریان علی قلی میرزا بادخودده، وینی مصنوعی مکمل به الماس ساخته دربرابرآن میگذاشت، عود کرده ودماغش راتمام ضایع نمود، وازدماغ به سینه وحلقش ریخته اعضایش رابه تب و تاب انداخت، وازعلاج اطباءبهبودی ندیده.. آثارمرگ درناصیهٔ حال اعلیحضرت احمدشاه درک شده، درشب جمعه ۲۰بیست رجب سال ۱۱۸۶ هزارویکصدوهشتادشش هجری طایروروش ازققس تن پرواز کرده و یاقوت خان خواجه سرا که محرم خاص شاه بود، وفات او را اخفاکرده...»

این حالت احمدخان ابدالی امکاناً اشاره میکندبه بینی بریدن به نوع یک جزا. گوش بریدن وینی بریدن در کلتورهای آسیای میانه و جنوب وشرق میانه در آنزمان رایج بودو آگاهی وامکان تطبیق آن تا حال موجوداست. آباشرابطی موجودبود که احمدخان ابدالی را محکوم به بینی وباهم گوش بریدن کرده بود؟ اگر جواب مابه این سئوال مثبت باشد، بایدگوش کنیم دلایل وشرايط تولیداین محکومیت راسراغ کرده وهویداباسازیم. مهمترازاین تأثیراین محکومیت را برارت سیاسی وسابقهٔ احمدخان ابدالی کنجکاو کنیم.

داکترروان فرهادی به اعتبارسراج التواریخ(ص ۱۰ ج ۱) به رول درویش صابرشاه کابلی در ترکیب(جیغهٔ) احمدخان ابدالی اشاره کرده اند. البته منبع این معلومات(تاریخ احمدشاهی ج ۱ صص ۲۲-۲۳) میباشد. صابرشاه کابلی یک پیرو جدی ومشهور تصوف چشتی بودواحمدخان ابدالی یکی ازنظربندان او بود. راجع به تأثیرورسوخ صابرشاه کابلی در درباراحمدخان ابدالی در(تاریخ سلطانی)چنین ذکرشده است:صابرشاه «زاباشندگان لاهور بود و همواره به هیئت مجذوبی گردش میکرد. درحینی که احمدشاه از اردوی نادری جداشد، مذکورنیز به مراقبت ایشان به قندهارآمد. بعد ازسلطنت احمدشاه اورایی احترام کردی، چنانچه گوبنددرحین بارعام اکثرایم بحضورنخست نشسته به گوش و بینی شاه زده گفتی ای احمدبیین که چه سان سلطنت احمدشاه» (صفحهٔ۱۲۳) عبدالکریم علوی در(تاریخ احمد، ص ۹) چنین آورده است:«روزی(احمد شاه) به تخت نشسته ودرویشی سروپارهنه باتن عریان و جسم خاک آلوده در کنارش خوابیده، هردم دست به گوش وینی احمدشاه رسانیده وبه سمت خود می کشدومیگوید ای افغان دیدی که ترا بادشاه به حکم خدا کردم واحمدشاه بنیایزتمام سرنگون باو کلام میکند.»

این لمحّه هاو هزاران وقایع وجریانات دیگر که بدیختانه در تاریکی حاشیه های تاریخ افغانستان مانده اند، بیحت جزئی و کلی، یک مخزن معتبربرای یک دورهٔ نورانی پژوهش فنی ویطرف دربارهٔ تاریخ سیاسی و کلتوری افغانستان می باشد، که نسل حاضر و آیندهٔ افغانستان حق آشناشدن رابه آن دارد. مثلاً چطورو تحت کدام شرایط سیاسی واقتصادی تأثیر وموقف تصوف چشتی مبدل به تأثیرنهایت فراخ وعمیق تصوف نقشبندی در دستگاههای قدرت سیاسی در افغانستان، واین انتقال چراوچگونه موازی است به انتقال حکمرانی افغانستان از دست سلوزایی هابه بارکزیانیه دردههٔ دوم قرن نژدهم و عروف تصوف قادربه در اوایل قرن بیستم درماشینهای سیاسی افغانستان به این تحولات، سیاسی تصادفی است یامربوط به پیچیدگیهای داخلی وخارج ازافغانستان است؟

از تقای رسوخ سیاسی صابرشاه(تصوف چشتی) وعروج تصوف نقشبندیه (توسط شبکهٔ ارتباطی مجددبهای هندوستانی(حضرت صاحبان)، ونمایان شدن تصوف قادربه(توسط مهارت سیاسی (مجروح) خیلهاو(تقیب صاحبان) یک مسأله نهایت مغلق وتهدایی است، برای روبروشدن با (دنباله درصفحهٔ ششم)

امیر امان الله خان

تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

Other: _____ \$ 75.00 \$ 50.00 \$ 35.00

همهٔ درآمد برای امور خیریهٔ وطن (مکاتب نسوان، کلنیک ثابت و سیار) فرستاده می شود .

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780 Cell: 805 300 8585

عبدالودود ظفري

المېدا - کالیفورنیا

اخطار به کرزی

روزنامهٔ پرتیراژنیوبارک تایمز گزارشی راپقلم مینو روزنبرگ زیرعنوان (سناتورهای امریکایی کرزی را بخاطر رهاسازی زندانیان هشدار دادند)، در شمارهٔ ۳۱۴جنوری ۲۰۱۴خودبه نشر سپرده است. بر گردان فارسی گزارش، پس از یک تبصرهٔ کوتاه تقدیم میگردد:

آقای کرزی از آغاز پیدایش گروه بدنام وانسان ستیز طالبان وایجاد امارت شان بآنهاپسباز نزدیک بود. به نمایندگی شان بهرسوسفر می کرد، برایشان تبلیغ می نمودوباشر کتهای نفتی مثل یونیکال به مذاکره میپرداخت. گفته میشود که اگر طالبان بر تمام افغانستان مسلط می شدند وعصویت سازمان ملل راحاصل می نمودند، کرزی رابصفت نمایندهٔ خوددر آنجا تعیین می کردند.

پس از سقوط رژیم منحت طالبان درسال ۲۰۰۱ که کرزی براریکهٔ قدرت تکیه داده شد، روابط نزدیک خودرابخاطرهم قبیله بودن با آنهاحفظ نمود، وبصورت عیان وپنهان از آنهاحمایت کرد، انتحاری های دستگیرشده راباعطای پاداش وانعام مرخص ساخت وزندانیهای قاتل را رهاکرد. شماری از آنهارادراگ جا داد وبه مشورهٔ شان بر خلاف منافع ملی اقدام نمود.

کرزی که باتقلب گسترده درانتخابات ۲۰۰۹ دوباره مقام ریاست جمهوری راغصب کرد، توجه خودرابیشتر بسوی طالبان معطوف نمود. آنهارابرادر خواند، کارهای ناروای شانرا پنهان نمودویوسته ادعا کرد که طالبان مساجدومکاتب را آتش نمی زندواطفال مکتب رابه قتل نمیرسانند، کسانی دیگر بخاطر بدنام ساختن طالبان به چنان اعمال مبادرت میورزند. درحالیکه همهٔ مردم افغانستان باگوشت و پوست خوددرک کرده اند که طالبان باقتل، انتحار، حمله برسربازان اردو و پلیس اشخاص سرشناس، هنرمندان، معلمان، نویسندگان، تعبیهٔ بمبهای کنار جاده، حمله بر مجالس فاتحه خوانی ومراسم تدفین یورش بر هو تل هاواجتماعات، آسایش و آرامی شانرابوده اند.

کرزی در جریان دوردوم ریاست خودتلاش وسیع کرد تا زندانیهای طالبان را که قاتلان مردم بیگناه مامیباشند، از زندان گوانتانامو رهاسازد، وادارهٔ زندان بگرام رابدوش گیرد. هدف اولین وآخرین کرزی آن بوتوازمینه راطوری مساعدسازد که نشان دهد زندانیهای گناه میباشندوباید محاکمه نشوند. کرزی درین مورد تا جایی پیش رفت که روابط خودرابامقامات امریکا که اورا بقدرت رسانیده اند و مصارف دولت وسپاه اورا میبردانند، بسیار خراب ساخت، تاحدی که زمزمهٔ گزبنهٔ صفر که خروج کامل قوای خارجی ازافغانستان میباشد، دوباره در رسانه های جمعی امریکا انعکاس یافت.

کرزی ۵۰عز زندانی زندان بگرام راکه همه جنایت پیشه، آدمکش، ضدصلح، ضد مردم بویژه زنان وناقض حقوق بشر بودند، رها نمود. رهایی این جنایتکاران نه تنهاخوشنودی طالبان و آی اس آی پاکستان رافراهم کرد، صفوف جنگی طالبان راتقویت نمود ومورال شانرا بلندبرد. بصورت یقینی گفته میتوانیم که این جانبان دوباره در عملیات اشتراک میورزند، مردم مارابه قتل میبرسانندوزبانهای جبران ناشدنی رابر افغانستان واردمی دارند.

بنابر لاجات کرزی در رهاسازی بدون محاکمهٔ قاتلان مردم افغانستان وسربازان امریکایی، بعضی مقامات بلندپایهٔ امریکاوتائو بکابل سفر کردند، اوراتشویق نمودند تا ازین تهکار بیهادست بردارد وبگذار د آنها محاکمه شوندوبه جزای اعمال شان برسند. ولی کرزی بخاطر تهددی که به طالبان و آی اس آی داده، به پنهانه های مختلف آنها را از زندان رها کرد ومردم افغانستان رابه اضطراب ودلهره مواجه نمود. کرزی به طالبان پناه میدهد تا ایدهٔ خودش رادر پناه آنها قرار گیرد.

هفتهٔ گذشته سه سناتور بقدرت امریکاز حزب جمهورخواه همین منظور به کابل رفتندوبه کرزی اخطار دادند تا از عمل ناخبردانه رهایی زندانیان دوری گزیند، ومواقفنامه امنیتی رامضا کند، در غیر آن گزبنهٔ صفر عملی میشود، قوای امریکاوتائوا ز افغانستان خارج میشود، تمام کمکهای امریکاوتائو متوقف میگردد. بصورت خیلی واضح دیده میشود که کرزی بر خلاف مصالح ومنافع ملی مردم افغانستان حرکت میکندوخواستهای مردم رادر نظر نمیگیرد. اکثریت مطلق مردم افغانستان خواهان امضای قرارداد امنیتی با امریکا بوده، بارهایی قاتلان و جنایتکاران از زندان، بدون محاکمه، جدأ مخالف میباشندو آنرا خرابی بیشتر امنیت شکست اقتصادی، افزایش فقر وبدبختی ملی میدانند.

امیداست که آقای کرزی بزودی سر عقل بیاید وخود را از جنبرهٔ نمایندگان آی اس آی درارگ خارج سازد، منافع ملی رابر هر چیز دیگر ارجح بداند، تاجر جبهٔ خونبار عراق رادر افغانستان تکرار نکرده، افغانستان مجبور نشود مثل عراق دوباره کمک امریکارا تقاضا کند.

اینک بر گردان گزارش نیوبارک تایمز خدمت تقدیم میشود :

سناتورهای امریکایی درسفری بکابل بروز پنجشنبه(۲جنوری ۲۰۱۴)، فشار خود را بالای رئیس جمهور کرزی افزایش دادند تا موافقتنامهٔ دراز مدت امنیتی را با امریکا امضا نماید. سناتوران درواکنش بر یک بحران تازهٔ دیگر که رهاسازی بازداشتیهای مظنون به حمله بر قوای امریکا میباشند، اخطار دادند. سناتورلندسی گراهام جمهورخواه کرواتلبنای جنوبی بیان داشت: (اگر رهایی بازداشت شدگان صورت گیرد، این کار بر روابط امریکا و افغانستان تأثیر منفی جبران ناشدنی وارد مینماید و کنگرهٔ امریکا عکس العمل نشان خواهدداد). سناتوران گراهام و جان مککین جمهورخواه از ایالت اریزونا، چندین مرتبه پس از تجاوز امریکابر افغانستان در ۲۰۰۱، به افغانستان سفر کرده اند. هردو طرفدار جدی نقش امریکا در افغانستان میباشند. سناتوران مککین و گراهام همراه با سناتور براسو از ایالت وایومنگ، به روزنامه نگاران در کابل گفتند که آنها نگرانی شدید خود را هنگام دیدار و صرف نان چاشت به آقای کرزی بیان کردند و اخطار دادند که توجهٔ امریکا به افغانستان در حال کاهش بوده ورهایی توقیف شدگان کشید گیهارا بدر ترمی سازد.

مامورین امریکا که میخواهند بازداشت شدگان مورد دیگر دقانونی قرار گیرند، ادعا میکنند که آنها اعضای گروه طالبان میباشند وبابه جنگجویانی ارتباط دارند که به قتل ۱۱۷سرباز افغانستان یاقوای بین المللی مظنون میباشند. این اشخاص در نزدیکی پایگاه هوایی بگرام که بازداشتگاه عمومی امریکادر افغانستان میباشد، توقیف بودند. مدیریت بازداشتگاه بگرام هشت ماه پیش به حکومت افغانستان سپرده شد. باسیردن اختیار زندان بگرام به افغانستان، یکی از جنجالی ترین مشکل کرزی باحامیان امریکایی وی حل شد، وبراه برای مذاکره بخاطر عقد موافقتنامهٔ امنیتی باز گردید، که ادامهٔ کمکها وحضور یک قوای کوچک امریکا رادر افغانستان پس از ۲۰۱۴ ممکن میسازد. ولی زمانیکه کرزی پس از قبولی ابتدایی موافقتنامه در ماه نوامبر، آنرا به بعد از انتخابات ریاست جمهور موکول نمود، معاملهٔ باقیماندن قوای امریکادر افغانستان دربرخ قرار گرفته، واز خط خارج گردید. مامورین امریکایی پی در پی به آقای کرزی اخطار دادند که تملل در امضای موافقتنامه تمام جریان معامله رابر دامیدهد، ومیلاردهادالر کمکهای بین المللی را ازین میبرد، آقای کرزی بازهم تقاضای نورا پیش کرد(دنباله در صفحهٔ ششم)

داکتر سنزل نوید

یونیورستی اریزونا

سیاست زبانی در افغانستان: اختلافات زبانی و وحدت ملی(۲)

اشکالات رسمی شدن زبان :مسألهٔ انتخاب زبان رسمی درجریان سالهای دههٔ سی و اوایل دههٔ چهل اشکالاتی رابار آورد. درسال ۱۹۳۶ پشتو بیحٔ زبان رسمی افغانستان اعلان شد و استعمال و ترویج آن در سطح اداری تشویق گردید. درسال بعد هیئت مشورتی وزارت معارف مقررات جدیدی وضع نمود که به اساس آن پشتو بیحٔ زبان درسی در سطح ابتدائی در سراسر افغانستان اعلان گردید. در عین زمان نام انجمن ادبی، که اکنون در تحت رهبری وزارت معارف قرار گرفته بود، بقلب پشتو تولفا یا انجمن پشتو تبدیل شد، و با ایجاد شعبات جدید تو سعه بیشتر یافت. مسئولیت اصلی پشتو تولنه تلون لغتنامهٔ پشتو ومعیار ساختن گرامر پشتو بود. به تعقیب تأسیس پشتو تولنه اسم مجلهٔ کابل به (د کابل مجله) ودرسال ۱۹۴۱ اسم سالنامهٔ کابل نیز به (د کابل کلنی) مبدل شد. اماطوریکه می اسکنازی مینگارد باوجود تبدیل شدن عنوان مجلهٔ کابل وسالنامه به پشتو، قسمت عمدهٔ متن هردو نشریه به زبان فارسی (دری) بود.

بقول سید قاسم رشتیانه، که درسالهای بعدوظیفه وزارت مطبوعات را به عهده داشت، هدف اصلی رهبران سیاسی آن دوره از ارتقا دادن پشتو بیحٔ زبان ملی و رسمی افغانستان تقویهٔ وحدت وهویت ملی از طریق ترویج یک زبان واحد بود. باینکه این اقدامات از طرف گروهی که طرفدار ایجاد هویت ملی مبنی بر هویت قومی پشتون بودند، جدایشیبانی میشد، پلان تبدیلی زبان درسی به پشتو با اشکالات زیادی روبرو شد. زبان فارسی قریهزبان مروج اداری، درسی، و تجارتی بود، و بیحٔ زبان بین الاقوامی کشور شناخته شده بود. بنابراین رسمی ساختن زبان پشتو بجای فارسی نارضایتی اقوام غیر پشتون رابار آورد. بطور مثال، اقلیتهای ازبک زبان که جهت تسهیل در اجرای معاملات شان زبان فارسی را آموخته بودند، ازاینکه مجبور بودند زبان پشتورا بیحٔ زبان سوم بیاموزند، ناخوشنود بودند. برعلاوه، به نسبت کمبودی معلمان پشتو در مناطق غیر پشتو زبان، تبدیلی زبان درسی به پشتو با مشکلات زیاد مواجه شد.

تأثیرات منفی سیاست جدید زبانی در اجرای مسائل آموزشی و معاملات تجارتی کشور، نخبیکان سیاسی را وادار ساخت که سیاست زبانی را تعدیل نموده و هر دو زبان را بیحٔ زبانهای رسمی افغانستان اعلان نمایند. درسال ۱۹۴۶ اسر دار محمد هاشم خان کاکای ظاهر شاه، که قدرت واقعی در عقب نظام سلطنتی بشمار میرفت، از وظیفه اش به حیث صدراعظم افغانستان کناره گرفت ویجایش سردار شاه محمود خان، عمو ی کوچکر شاه، که تمایل به افکار آزادی خواهی داشت، بمقام صدارت رسید. از اقدامات مهم شاه محمود خان برگرداندن زبان فارسی (دری) به حیث زبان رسمی کشور بود. سید قاسم رشتیانه، که در کابینه شاه محمود خان وزارت مطبوعات رادر دست داشت، در خاطرات خود مینویسد که نجیب الله خان توروا یانانه وزیر معارف در کابینهٔ جدید به باینکه خود پشتون درانی بود، تبدیلی زبان درسی را به پشتو اشتباه بزرگ و صدمهٔ جبران ناپذیری به سیستم درسی افغانستان اعلان نمود. در اثر توصیهٔ توروا یانا سیستم درسی افغانستان دوزبان شد، به این معنی که در مناطق پشتوزبان سیستم درسی به زبان پشتو وزبان دری بیحٔ زبان دوم درسی و در سایر مناطق کشور سیستم تدریسی به زبان دری و تدریس پشتو بعنوان زبان دوم تعیین گردید.

در جریان سالهای دههٔ چهل و پنجاه اقدامات جدی برای تعمیم و ترویج زبان پشتو راتقای آن بعنوان زبان ملی بعمل آمد. وزارت اطلاعات و کلتور موظف شد که در ترویج و پیشرفت زبان پشتو از طریق مطبوعات اقدام نماید. آکادمی پشتو به اینکار پیشقدم شده ودر تو سعه لغتنامه، طرح املا ی صحیح برای نوشتن زبان پشتو ورشد زبان و ادب پشتو مساعی جدی یخرج داد. از جمله ابتکارات آکادمی طرح عنوان رسمی بزبان پشتو بود، القاب اعزازی(آقا)،(خانم) و(بیگم) که ریشهٔ ترکی داشتند، به کلمات پشتو(شاغلی)،(میرمن) و(پیغله) مبدل شد. همچنان موسسات دولتی و آکادمیک، شفاخانه ها، دواخانه ها، تیاترها، انجمنها و سازمانهای ملی عنوانین پشتو اختیار نمودند. رتبه های علمی(پوهاند، پوهنمئل، پوهنبار وغیره) ایجاد ونام موسسات علمی به پوهنتون و پوهنچی تبدیل شد. پشتو و مسألهٔ پشتونستان : با ایجاد کشور پاکستان بدنبال عقب نشینی بریتانیا از نیم قارهٔ هند درسال ۱۹۴۷مسألهٔ خط دیورند دوباره مورد مباحثه قرار گرفت. افغانستان حق خود ارادیت مناطق پشتون نشین یا پشتونستان را، که درسال ۱۸۹۳ مطابق معاهدهٔ دیورند از یکطرف افغانستان جداشده واینک ضمیمه پاکستان شده بود، مطالبه نمود. این رویداد همزمان بود باتشکیل گروهی آزادخواه ملی بنام(ویش زلمیان) (جوانان آگاه)، اکثر اعضای این گروه را، که در ابتداء تعداد آن به بیست و دوفتیر میرسید، جوانان روشنفکر پشتو زبان قندهار، ننگرهار و کابل تشکیل می داد. درسال ۱۹۴۷ رهبران این گروه اعلامیهٔ تحت شعار(ویش زلمیان غوارو) به پشتو صادر نمودندوبه اساس همین شعار خود را(ویش زلمیان) خواندند. درسال ۱۹۴۸ ویش زلمیان با برنامه واهداف معین سیاسی، عضویت کامل وادیر نمودن جلسات منظم بیحٔ یک گروه فعال سیاسی عرض وجود نمود. اهداف مهم سیاسی ویش زلمیان بوجود آمدن سلطنت مشروطه و انتخابات آزاد، تأمین حقوق مدنی، تفکیک قوای ثلاثه، حمایت از حق خود ارادیت پشتونستان و تقویهٔ زبان پشتو در مقابل نفوذ گستردهٔ زبان دری بود. درسال ۱۹۵۰ اعضای برجستهٔ این گروه راگل پاچا الفت، محمد رسول پشتون، فیض محمد انگاره، عبدالروف ینوا، قیام الدین خادم، غلام حسن صافی، نوراحمد اچکزائی ونور محمد ترکی تشکیل میدادند.

بابر سر اقتدار آمدن سردار محمد داود بیحٔ صدراعظم، موضوع پشتونستان داخل مرحله جدید شد. داود دخان موقف انطاف ناپذیری در مورد مسألهٔ پشتونستان اتخاذ نمود وحمایه از آزادی پشتونستان و جدائی مطلق سرزمینهای پشتون نشین را از پاکستان جز خط مشی سیاسی خود قرار داد. در نتیجه، درسالهای آخر دههٔ ۱۹۵۰ اختلاف بین افغانستان و پاکستان روی مسألهٔ پشتونستان روبه وخامت گذاشت و بالاخره در ماه سپتمبر ۱۹۶۰منتج به قطع روابط بین کابل و اسلام آباد وانسداد سرحدات پاکستان برای قتل مواد تجارتی ازراه پاکستان شده وخسارات چشمگیری به تجارت واقتصاد افغانستان وارد نمود.

باتشدید بحران سیاسی روی مسألهٔ پشتونستان، استعمال زبان پشتو بعنوان وسیلهٔ تبلیغات رادیوئی علیه پاکستان اوج گرفت. برنامه های پشتو در رادیو کابل انکشاف نمود، و استعمال زبان پشتو در مطبوعات کشور طور قابل ملاحظه افزایش یافت. با اینهم، با وجود اقدامات جدی دولت در توسعه و رشد زبان پشتو، دری تفوق خود را به عنوان زبان اداری، آموزشی، بازرگانی ومسلكی، حفظ نمود (دنباله دارد)/.

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید. مطمئن باشید از شما ممنون می شوند .

پیام به علاقمندان امید

دوستان عزیز ی که جهت فراهم ساختن زمینهٔ انتشار مادمید از چند ماه پیش اعانهٔ دو ماهه، سه ماهه یا شش ماههٔ فرستاده بودند، لطفاً توجه فرمایند که میعاد تجدید آن در ماه دسمبر ۲۰۱۳ میباشد. لذا محبت فرموده جک اعانهٔ شانرا بفرستند. خداوند ب همهٔ شان اجر وافر نصیب بدارد. چک های تان را قابل پرداخت به هفته نامهٔ امید بنویسید . با محبت واحترام، محمد قوی کوشان

داکتر محمد اسلم خاموش

زندگنامهٔ نلسن مندیلا

نلسن مندیلا در حملهٔ سایبریزگان دنیا از قبیل سردار شهدای افغانستان، مسعود شهید، عقاب بلند پرواز هندو کش تسخیر ناپذیر، که وطن را از جنگال روسهای وحشی و پاکستانیهای مجبل نجات داد، مهاتما گاندی بزرگ منجی هندوستان، که عمر خود را در مبارزه با حکومت انگلیس سپری کرد، محسوب میشود. مندیلا ۶۷ سال عمر خود را درراه ازین بردن اپارتاید Apartheid در جنوب افریقا و از آن جمله ۲۷ سال رادر حبس گذرانید.

این بزرگان اشخاصی اند که ازدهای استبداد را سر کوفته، ونهال آزادی هابا خون خود سیراب نموده اند. اپارتاید سیستم ظالمانهٔ نژادپرستی است که در آن با انسانها بصورت مساویانه رفتار نمیشود از ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ در افریقای جنوبی حکمفرما بود. اپارتاید بین مردم سفید پوست و سیاهپوست آنکشور به وجود آمده، حزب ملی زیرنام آن تأسیس شدو هدف آن بوجود آوردن جدایی سفیدها و سیاه ها بود.

نلس مندیلا در ۱۸ جولای ۱۹۱۸ در Mveso Translei جنوب افریقا بدنیا آمد، در بیست سالگی درراه رفع تبعیض نژادی شروع به فعالیت کرد ودرسال ۱۹۴۲ به کانگرس ملی افریقای جنوبی راه یافت ویست سال بدون تجاوز و تخطی بمقابل حکومت درراه مجادلهٔ صلح آمیز کوشید. درسال ۱۹۹۳ به نلسن مندیلا و دی کلارک رئیس جمهور افریقای جنوبی ، جایزهٔ صلح نوبل اعطا گردید. مندیلا درسال ۱۹۹۴ به حیث اولین رئیس جمهور سیاه پوست افریقای جنوبی برگزیده شد، و بالاخره به عمر نو د پنج سالگی در ۵ دسمبر ۲۰۱۳ جهان را وداع گفت، و پس از یک عمر رنج وزحمت درراه آزادی مردم خود به آرامگاه ابدی خود شتافت، روحش شاد باد .

مر احل اولی زندگی مندیلا: نلسن مندیلا بنام Rolihlahla Mandela ۱۸ جولای ۱۹۱۸ در قریهٔ کوچک Mvezo در کنار دریای Mbashe در Transkei افریقای جنوبی چشم بدنیا کشود. پدرش مدت زیادی به حیث مشاور رئیس قیایل ایفای وظیفه میکرد، امانبست مشاخره با رئیس منطقوی مستعمراتی همه دارایی اشرا از دست داد. با بر طرفی پدر، مادر مندیلا مجبور شد تا خانواده رابه قریهٔ خوردرتر موزو انتقال بدهد. این قریهٔ خوردر دریک درهٔ پر گیاه که سرک هم نداشت واقع بود. یگانه راه پیاده روبه چراگاه حیوانات بود، خانواده های مسکون درین ناحیه همه زیر چیری زندگی میکردند، خورا که را از محصولات زراعتی که آن ناحیه از قبیل جواری، ارزن، کدو، لوبیا، باقلا وغیره رویانده میشد، بدست می آوردند. آب مورد ضرورت از چشمه وجوی استفاده میشد، پخت وپزدخارج خانه صورت میگرفت.

مندیلا چون خردسال بود، باسرن محل مصروف بازی طفلانه میبود. به سفارش یکی ازدوستان پدر مندیلا، مندیلا در یک کلیسای متدودست Methodist غسل تعمید Baptize شد. مندیلا اولین پسر از فامیل خود بود که به مکتب رفت، یکی از معلمین به او نام نلسن را دادو گفت:(نام توا زاین به بعد نلسن Nelson است). مندیلا نه ساله بود که پدرش از اثر مرضی جهاز تنفسی از جهان رفت. پس از آن مندیلا بیحٔ بچه خواندهٔ رئیس Jongintaba Dalindyebo کفیل حکمران مردم Thembu قبول شودورزندگیش تغییر آمد، واین کار به نسبتی صورت گرفت که یکسال قبل و فقیکه پدر مندیلا در قدرت بود، این شخص رابیحٔ رئیس سفارش کرده بود. بعد ازین مندیلا به زندگی بدون تنویش ادامه داد، صرف تنویش ازین بود که قریهٔ خود را نخواهد دید، وبه Mqhekzwen پایتخت ولایت Thembuland اقامتگاه سلطنتی انتقال داده شد. مندیلا بزودی بامحیط جدید تطابق کرد، به مندیلا عهه مقام که به دوظفل حکمران داده شده بود، دادند. دروس مکتب شان انگلیسی، ژوسا، تاریخ وجغرافیه بود. درینوقت مندیلا به شنیدن تاریخ افریقا ازیزرگانی که جهت کار رسمی به قصر می آمدند دلچسپی گرفت. از گفتار شان آموخت که مردم افریقا قبل از آمدن سفیدپوستان در صلح میزیستند ومردم افریقای جنوبی زندگی برادرانه وزیست باهمی داشتند. اما بعد از آمدن سفیدپوستانها، زندگی باهمی ومصلحت آمیز شان بهم خورد. سیاهپوستان زمین وآب را بسفیدپوستان تقسیم کردند اما سفیدپوستان همه را تصرف کردند. طبق آیین ودستور افریقای مندیلا باید ختنه میشد، این کار درس ۱۶سالگی صورت گرفت، تشریفات ختنه نه تنها عمل جراحی بلکه اعلان مردم نیز در آن وابسته بود. در رسوم افریقای پرسی که ختنه نشده باشد، مستحق میراث پدر نمی باشد ومهم در مراسم شعایر دینی اشتراک کرده نمی تواند.

مندیلا و فقیکه تحت ادارهٔ حکمران جنگیو تو یو قرار گرفت، از سوی حکمران برایش جوکی وکالت داد. با داشتن امتیاز سلطنتی تمبو، او توانست به مکتب تبلیغی وزلیان در موسسهٔ لیلهٔ کلارک بری برود. مندیلا بو کسرقوی بود، اودر ابتدا از طرف رفقای وزلیان خود بیحٔ پسردهاتی مورد استهزا قرار میگرفت، اما بعدا باهم دوست شدند .

مندیلا درسال ۱۹۳۹ در دانشگاه فورت هیر، که یگانه جای تحصیل برای سیاه پوستان افریقای جنوبی بود، شامل شد. این دانشگاه در آن زمان به سوبه های هارورد و آکسفورد شمرده میشد. درسال دوم دانشگاه مندیلا از طرف شاگردان نمایندهٔ شوری انتخاب شد. برای مدتی شاگردان ازوضع غذا و ضعف ادارهٔ کانگرس ناراضی بودند. در وقت انتخابات، شاگردان آنرا تحریم کردند. مندیلا این حرکت دانشجوان را عدم اطاعت وسرکشی از قانون دانسته وازوظیفه استعفا داد. ازین حرکت اوداکتر کر، مندیلا رابرای باقی سال از یونیورستی اخراج کرد واورا اخطار داد تا و فقیکه قبول نکند که در کانگرس کار میکند، به یونیورستی آمده نمیتواند. خواست به خانه برود، اما حکمران گفته بود که به اوبگو یید بدون تردید استغای خود را پس گرفته، درخزان دوباره به دانشگاه برگردد.

بهر حال مندیلا بعد از چند هفته بخانه رسید. حکمران ترتیبات عروسی اورا اعلان کرد، ترتیبات عروسی طبق دستور قبیله در داخل صلاحیت عملی شد، اما بعد از چندی مندیلا از خانه فرار کرد، واین حرکت وی حکمران را تکان داده ومتحیر ساخت، مگر چارهٔ جز صبر نداشت .



معرفی مختصر به رسالهٔ تازه

در طول دو هفتهٔ گذشته سه کتاب تازه به چاپ رسیده بدستم رسید، که با گزارش مختصری، هریک راه به شاماطالعین نهایت گرامی جریدهٔ وزین امید معرفی می کنم:

عنوان کتاب اول: شاخچه های شکسته، نویسنده: انجنیر محمد هاشم راییق، مجموعهٔ مقبولست از طنز ها و قصه های دلنشین که در ۶۷ صفحه در ورجینیا به چاپ رسیده است. همینجا یادم از طنز نامهٔ نویسندهٔ عزیز جلال نورانی میآید که در پایان معرفی آن مجموعهٔ مقبول، این شعر نیشدار ابرج میرزا را که باد استانهای پراتنباه نویسندهٔ شهیر فرانسه (لافتانن) همانگی دارد، تذکر داده بودم :

کلاغی به شاخی شده جایگیر
به منقار بگرفته قدری پنبیر
یکی رویهی بوی طعمه شنید
به پیش آمد و مدح او بر گزید
ز تعریف رویه شد زاغ شاد
ز شادی نیاورد خود را به یاد
به آواز کردن دهن بر کشود
شکارش یفتاد و روبه ربود

دوست عزیزم راییق راجع به تعریف طنز در پیشگفتارش نوشته است، (نوع ادبی طنز با ابعاد وسیع و قالبهای نوین، گرایش نو بخود گرفته است، ولی طنز وطن پرداز ی در ادبیات سابقهٔ کهن دارد، و تقریباً هزار سال پیش حکیم سنایی داستان هایی را هنر مندانه تصویر کرده است، که معیار و موازین طنز در آن پدیدار است. بعدها عطار، مولینا، خیام، سعدی و حافظ نشان دادند که چگونه با استفاده از صنایع لفظی و کار برد کنایات و استعارات میتوان شدیدترین انتقادات را با شیرینی ظرافت کلام ملمع کرد و چیزی آفرید که هم بخنداند، هم تنبیه کند، همت به تفکر اندازد و هم دگرگون سازد...)

بهر حال من مجموعهٔ دلپذیر طنز های انجنیر راییق را که با نظم و نثر زیبا به رشتهٔ تحریر آمده، قبل از چاپ آن خواندم و چنین تقریظی بر آن نوشتم: (مجموعهٔ پر محتوی ـ شاخه های شکسته ـ دوست نهایت عزیز و گرامی ام عضو فرزانه و صاحب نظری و درعامل موسسهٔ افغان اکادمی واقع ایالت ورجینیا، انجنیر محمد هاشم راییق را با اشتیاق تمام خواندم . حکایات و طنز های پر معنی او که مظهری از حقایق تلخ و شیرین اجتماع درد مند و آسیب دیدهٔ افغانها در داخل و خارج وطن عزیز میباشد، باشوهٔ دلپذیر بر رشتهٔ تحریر آورده است. نوشته های نغز و پهلودار راییق عزیز پر از پند و اندرز هاست که خواننده را متوجه رویدادها و حقایقی میسازد که اکثرا ناگفته و پوشیده باقی مانده است. نویسندهٔ ژرفنگر راییق در برخی از قصه های دلنشین خود، ظالم و مظلوم، آمر و زیر دست، و حاکم و محکوم را روبرو به نمایش می گذارد. چنانچه بطور مثال در نوشتهٔ (مصاحبهٔ محکوم با حکیم زمان) طرز تفکر و خود پسندی و خود خواهی جاهلانیهٔ یک حکیم ناهمگام زمان را که اصلاً سیاه اندیشه و کور دل است، با جرئت قلمی بر ملا میسازد و خدعه و زور گوئی و استبدال دور از منطق و عاری از کرامت انسانی اورا در همه ابعادش تشریح می کند.

نویسنده و شاعر طنز نویس انجنیر راییق همین شیوهٔ پراز antibاه و کوبنده رادریان دردها و نااملیات و نابرابر یها و سرگردانیهای جامعهٔ افغانی در غربت چه در قصه های پراز واقعیها و چه در طنز ها ماهرانه بکار برده است، که با این عناوین جلب توجه میکند: یادی از تخسین روزهای مهاجرت، شاخهٔ شکستهٔ ارغوان، دروغگو حافظه ندارد، نادم از عشق، به لعل از دست برفت و هم دل یار برنجید، قصهٔ دیروز جنگل، پیام در دناک، بازم تعصب و مقالات دیگر.

کتاب دوم: واژه های روز: مولف: داکتر امین راییق: این مجموعهٔ پر محتوا رادوست و همسلک عزیزم، یکی از اعضای قرزانهٔ انجنین صلح ودمو کراسی برای افغانستان، داکتر امین راییق در ۲۱۲ صفحه درمرکز نشراتی بشارت در کابل بچاپ رسانیده و بانظر و نظم شیوا در بخشهای مختلف برشتهٔ تحریر آورده است . به فحوای پیشگفتار مولف ارجمند، وی هموطنان را به خواندن مطالبی زیر عنوان (واژه های روز) با کلمات و اصطلاحاتی دعوت کرده، که در زندگکی اجتماعی روز مرهٔ افغانی مروج و مستعمل میباشد، و موضوع رادر دو قسمت تبارز داده است، یکی واژه هایکه عموماً و همهٔ روزه مورد استعمال و کاربرد قرار داشته و بعضاً در اوقات تجلیل ویزر گداشت در سطح ملی و منطقوی و هم در سطح جهانی یاد آوری میشود، مانند روز مادر، روزین الملی زن، روز پدر، روز معلم و غیره . در قسمت دوم مولف عزیز داکتر راییق از واژه هایی یاد آور میشود که تازه در فرهنگ افغانستان وارد و مستعمل شده و اثرات خوب یا بدی را در جامعه پدیدار ساخته است ...

آقای میر محمد یوسف فراغت، برادر ارشد داکتر راییق، که من قبلاً مجموعهٔ شعری اش رادر همین جریدهٔ وزین امید معرفی کرده ام، تقریظ پر محتوایی در آغاز مجموعه نوشته، که فشردهٔ آن چنین است: ...از آنجاییکه جنگهای متداوم بیش از سه دهه بر علاوهٔ ویرانی ها و خسارات هنگفت، بر فرهنگ جامعه نیز اثرات ناگواری بجایانده است، تهاجم فرهنگهای ناپسند یگانه صدمات سنگین را بر عنعنات و ارزشهای اخلاقی و اسلامی وادی و وطن عزیز ما وارد نموده است... راییق عزیز، شاعر و نویسندهٔ رسانتمند درین راستا اثر مفید و ارزنده ایرا زیر عنوان واژه های روز انتشار و با تفصیل و تعبیر ارز شمنند بدسترس هموطنان عزیز قرار داده است. مولف از هر واژه با در نظر داشت ضرورتها و شرایط عصر، تفسیر و تعبیر واقع بینانه و منطقی ارائه داده است... در عین زمان در بعضی موارد دو موضوعات مربوطه با اشعار نایی از خود نویسنده بدرقه شده است...

در راستای همین گفتار بالای شاعر فرزانه میر محمد یوسف فراغت، شعروان و دلپذیر داکتر راییق رادر یاد آوری واژهٔ (معلم) و روز معلم به شما یاد آور میشوم :

ز فانوس معلم ظلمت آباد جهان روشن

ز نور مثبت دانش، زمین تا آسمان روشن

مقام عقل و تدبیر و خرد را ایزد یکتا

به قرآن معظم داشته هر جایان روشن

رسول اک هم بر امتانش کسب دانش را

مسلم فرض میگوبد که تاباشند از آن روشن

به سیر معرفت هم بی عصای علم نتوان رفت

مگر آنجا که شمع عشق میگردد عیان روشن

نشاید از بلندای دماغ این یدماغ آمد

کزان مرکز بهر رنگ است هر جایگمان روشن

همی پرسند هشیاران کجامکتب معلم کو

کزو شام سیه گردد چو صبح عاشقان روشن

ترا تحسین و تجلیل معلم هر نفس باید

ندارد قدر تو صیغ معلم این غزل راییق

همین کافیت کز شمعش زمین روشن زمان روشن (ستون اول صفحهٔ پنجم)

داکتر سخی اشرف زی سید کاغذ

سند باگو ـ کالیفورنیا

عملگر داحزاب در افغانستان تخته خیز قومی است

احزاب سیاسی از پدیده هایست که تعریف واحدی از آن وجود ندارد، شاید این امر ناشی از ابهام در کارکرد آن باشد. از میان تعریفهای مختلفی که به یک حزب سیاسی داده شده تعریف ذیل رامیتوان جامع دانست: «حزب عبارت از یک گروه افرادی که دارای ظرفیت فکری باشند گردهم آمده و با همسوئی سیاسی ، به اساس اصول ، برنامه ها، استراتیژی و خط مشی های مشترک در درون یک سازمان مشخص به منظور رسیدن به اهداف مشترک فعالیت میکنند».

روش یک حزب مخالف حکومت تنها و تنها برای بدست آوردن قوه و قدرت سیاسی در یک کشور نیست بل احزاب در فعالیتها مانند پژوهشهای آموزشی جامعه، مشارکت در فعالیتهای انتخاباتی و اعتراض در سیاستهای حکومت که مطابق به خواسته های جامعه نمی باشد، سهم فعال داشته و در مقابل، با ارائه طرح استراتیژی و بدیل در بخش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را برای حکومت برسر اقتدار پیشنهاد میکند. حزب وسیله ارتباط بین دولت و ملت است، احزاب در شکل دادن به خواستههای سیاسی ملت برنامه های سیاسی روشن دارند. یک حزب سعی دارد که اعضای آن بطور کل از بافت اجتماعی سرتاسری کشور به طور متوازن نمایندگی کند. بطور عموم احزاب برنامه های کاری خود را زیر عنوان منفعت عامه ابراز و پروگرامهای خود را در راه تأمین منافع عمومی ارائه میکنند و میکوشند برنامه های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی را برای همه طبقات جامعه در نظر گرفته به مرحله اجرا گذارند، و برای تأمین هزینه خویش در مبارزات انتخابی از سهمیهٔ که دولت برای هر حزب تعیین میکند، همچنان توسط موسسات ملی و نهادهای اقتصادی همان کشور کمک مالی میشوند و کمکهای که احزاب برای فعالیتهای انتخابی حاصل میکنند با یست شفاف و قابل فهم باشد.

آگاهان سیاسی ر ا عقیده بر آنست که دمو کراسی چیزی جز رقابت حزبی نیست و انتخابات بدون رقابت آزاد و سالم معنی و مفهوم خود را از دست میدهد. در یک نظام پارلمانی یک حزب توسط نمایندگانش در مجلس شورانماینده گی میکند، و رهبر حزب در عین زمان بعنوان رهبر اعضای حزبی در مجلس انجام وظیفه میکند. در نظامهای انتخاباتی نوع نظام عامل اساسی در تعیین نوع نظام سیاسی احزاب هر کشور است .

در افغانستان احزاب به شکل سازمان یافته که فوقاً ذکر شد در مرحله ابتدائی آن قرار دارد که هنوز نقش مهم و برجسته در ساختار سیاسی کشوریازی کرده نمی توانند. حکومت آقای کرزی هم به نوبه خود در تشویق و توسعه احزاب در افغانستان کم کاریها کرده و مشکلات زیادی را ایجاد نمود. از جانب دیگر هنوز مردم مایختگی سیاسی ندارند و مزایای سیاسی و اجتماعی احزاب طوریکه شاید و باید توسط رسانه های بداری و چاپی تبلیغ و روشنگری نشده و احزاب نوبا در مرکز کشور فعالیت محدود را شروع نموده اند، ولی بطور گسترده در ولایات دقاتر فعال که نمایندگی از احزاب کند، تقریباً وجود ندارد. تعدادی احزاب کوچک که در افغانستان تشکیل شده، رهبری و رهنمائی آن توسط یک شخص و یا یک گروه محدود به منظور تأمین منافع شخصی پایه گذاری شده و این احزاب به یقین چانس آنرا ندارند که در انتخابات سرتاسری برنده شوند، و نه از اعتماد سرتاسری برخوردارند، ولی سعی دارند که با زودندهای سیاسی با گروههای دیگر به منظور منفعت طلبی سوء استفاده کنند و آگاهان سیاسی به این نظر اند که اینگونه احزاب زیادتربصیغهٔ قومی و پیوندهای قبیلوی رادنبال می کنند و امکان دارد که تحت نفوذ سوء استفاده کشورها دیگر قرار داشته باشند. اکثر نامزدان ریاست جمهوری زور نمادانی اند که از یک قوم معین نمایندگی دارند و قوم وی از این شخص حمایتیه سیاسی میکند، لست از اشخاصی را که یکی از پیش شرطهای ارکاندید شدن در انتخابات ریاست جمهوری تعیین شده، شاید اکثر اشخاصی این لست از همان قوم جمع آوری شده باشد و حزب ویراقوم و قبیله او تشکیل میدهد نه اینکه بایک برنامه وسیع سیاسی که هدفش اتحاد ملی ، آشتی ملی و پیشنهادات به منظور حل مسئله های اجتماعی ، اقتصادی کشور را ارائه کند و خط مشنی سیاسی و اهداف خود را در کدام رسانهٔ ملی قطعاً نشر نکرده اند. مزید بر آن تا اکنون که هنوز فعالیتهای انتخاباتی به کاندیدان ریاست جمهوری اجازه داده نشده، ولی یک باچند کاندید معلوم الحال پیشدستی نموده و قبل از وقت بایک دیده دارائی خاص شروع به تحقیر، مذمت و تعرض به شخصیت یک کاندید رقیب خویش نمودند و با کنایه های خیلی تنگ نظرانه و با ادبیات سر کوجه حمله به رقیب خویش نمودند. اینان از همین اکنون سعی دارند که برای برهم زدن انتخابات رقابتیهای انتخاباتی بطور شفاف را به رقابت های قومی وزبانی تبدیل کنند، که این امر اهداف اهریمنی، نا نا یختگی سیاسی و نارسائی شخصی کاندید را نشان میدهد .

یکمدهٔ از زورمندان و کرسی نشینان حزبی را که بطور فوری و ضروری به منظور این انتخابات تشکیل داده اند، همان نظریات قومی و قبیله گرایی خویش را در چو کات حزبی خویش تبارز میدهند و در کمپاین انتخاباتی دستیاران و معاونین خویش را اگر چه از اقوام دیگر به منظور اغوا نمودن ملت بیچاره انتخاب کرده اند، ولی اگر کاندید متذکره در انتخابات برنده گردید بازم همان سطر به قومی خویش را به پیش خواهد برد، و اگر روش سیاسی وی با مخالفت معاوینیش روبرو گردید وی به بسیار راحتی میتواند که در انتخاب معاونین خویش تجدید نظر و در عوض شخص دیگر را که همسویی با اهداف قبیله گرائی و بافت ستی وی داشته باشد برگزیند. (۱)

بهر حال مردم بایک نوع یم و امید بسوی انتخابات آینده کشور نگریسته و بسیار محتاطانه انتظار دارند که یک انتخابات شفاف و بدون کدام واقعات تروریستی ، جنجال و خون ریزی در کشور بر گزار شود که منجر به بهبود شرایط درهم و برهم فعلی کشور و قناعت مردم را تا اندازهٔ حاصل نماید. ما امیدواریم که فعالان احزاب حوصله و تحمل پذیرش جریانهای مختلف را داشته و مفهوم واقعی یک حزب را درک کرده باشند .

۱ ـ داکتر سخی اشرف زی سید کاغذ «تعداد احزاب تخته خیز سیاسی است نه اجماع ملی» و در ویسایتهای کشور به نشر رسیده است.

عبدالرحیم روتق هروی
لاس انجلس - کالیفورنیا

توصیه به رأی دهندگان

به وقت انتخابات رأی خود را وطنداران دهید با شخص دانا ز غداران و فاشیستان خاین همه دوری کنید ای مردم ما اگر شخصی بود پر کار و لایق برای کشور و هم ملت ما نباشد قوم پرست و حقّه بازی که سازد تیره و تار روز ما را به صندوق ریاکاران غدار کون باید که شخص باایات بگردد حاکم و هم رهبر ما

به امید آن روز!

«**جرقهٔ آنر**» **اشعار باقی قابل زاده**



در شمارهٔ پیشین، در معرفی مجموعهٔ اشعار شادروان باقی قابل زاده، آن شاعر روشنندل و جوانمردگ کابلی، مطالبی از تقریظ و معرفی او از قلم جناب استاد عبدالرشید ینش، نویسنده و شعر شناس توانا، که در متن مجموعه به چاپ رسیده، نقل و به خوانندگان گرامی تقدیم کردیم . اینک بخش یایانی آن نگاشتهٔ زیبا را پی می گیریم. اداره

قابل زاده درهربند از اشعارش،

سیمای خنونت بار محیط زندگانی همشهریان و هم میهنانش را با الفاظ و کنایات پر مفهومی به تصویر میکشد، و زوایای تاریک و مظلم حیات شانرا نی پرده آفتابی میسازد، و به عاملین آنهمه فحایع تقرینش را ابراز میدارد. که اینک از منظمومهٔ (فریاد) او در صفحهٔ نیم این اثر، چندشاه فرد را به نشانهٔ مثال برمی گزینم :

بی دردسر زیر چرخ معلق سری نمائد
قدی ز ثقل و اهمله بی چنبیری نمائد
زردی گرفت چهرهٔ خرد و بزرگ شهر
در گونه ها نشان رگ احمری نمائد
در پیکر جوان و تن پیر ناتسوان
جراستخوان خشکی و چشم تری نمائد
ای محتضر زدارو و درمان بدار چشم
در شیشهٔ معالجه جز نشتری نمائد
مرغ اسیر ماند همان در قفس کز آن
جز ناخن فتاده و مشت پری نمائد
یاران شراب مهر و وفا و یگانگی
باری به شیشه و قدح و ساغری نمائد
ز آن لاجورد ولعل و زمرد به کیسه ها
اندازهٔ نگینۀ انگشتری نمائد
رفتند حامیان حقوق بشر دریغ
اکنون به جز هو سگر و کور و کری نمائد
شاعرانینای ما زنده یاد قابل زاده، در خلال آنهمه سروده های مردمی و عاطفی اش که در بالا ذکرش آمد، و بعد هاهم می آید، نازک خیالها و تشبیهات شورانگیز و عطربیزی را هم در برخی از ابیات خود به چاشنی آورده که از مرور آن به وجد آمدم. از غزل (ناک خنیاگر) چند بیت برجستهٔ آنرا بر وی شماعزیزان میگویشم، بدقت بخوانید و ملاحظه کنید که این درهای شهور را با چه فشنگی و رعنایی برشته نظم کشیده و بهر دانهٔ آن روح زندگی بخشوده است :

هنوز بادهٔ ما شور کمر اثر نشده
هنوز قلقل میناخموش تر نشده
سبوی میکده خالی شدو پیالهٔ ما
هنوز دستخوش دورهٔ دگر نشده
هزار نشه عرق ریز یک خمار حیاست
هنوز چهرهٔ ساقی حجابدر نشده
مجال مردم میخانه نیست خدعه و رنگ
هنوز صدق و صفا زین محل بدر نشده
بگوبه مطرب ورقاصه دم غنیمت دان
هنوز محتسب از بزم ما خبر نشده
غبار ضعف زداییم از شجاعت دل
هنوز آیینۀ طبع ما مکرر نشده
صدف شناس شو و زاله گیرو نیسان باش
هنوز بشنم گل قابل گهر نشده
بگانه حرهٔ میدان فتح یک جهتی ست
سلاح تفرقه دیدیم کار گر نشده
کم قناعت خکشیده نان و جرعهٔ آب
هنوز خواهش باقی به سیم و زرنشده
این چند بیت انتباهی و اندز گونهٔ شاعر را که سرشار از روح آدمیت و عطفیت بشریست، پیش خود یادداشت کنید و اگر میتوانید از برنماید و در زندگانی روزمرهٔ تان به کار برید :

پیش کر ناله و فغان میرید
سود ها جانب زیان میرید
نفس ما شراره افروزد
آه من طرف نیستان میرید
سیر پروانه دور شعله بود
پر او را به آشیان میرید
خبر خوب و بد به منتظران
گاه و بیگاه و ناگهان میرید
سخنی را که فتنه خوانندش
تا توانید بر زیان میرید
صدید لاغر اگر دود به نشان
تیر باید سوی کمان میرید
دست جود و سخا برون آرید
پای یغما به ناتوان میرید
آنکه ناکام دست یکرنگیست
دگرش پهر امتحان میرید
غیر احسان در این زمانه شما
هر چه دار بد ار مغان میرید
خانهٔ بلبل گل آیین را
هرگز از لای گلستان میرید

... مثلی که پیشتر به گفته آمد، برگزیده های مرحوم باقی جان قابل زاده، هر چند از نگاه تعداد شعر و قصیده معدود و مختصر است، و جمع صفحات از لحاظ کمیت از ۴۳ صفحه تجاوز نمیکند، اما از نگاه کیفیت و معانی و مفاهیم علای شعری و ادبی در نظر من نگارستانی از ادب و فرهنگ جلوه میکند، و حیفم می آید که من از هر گلبن این بستان خوش عطر تک تک گلهای پراز رنگ و بویی را بچینم و به دوستان ار مغان هدیه بنمایم، و باین کار خود را و انبیا شاعرانینا و نامردمان باقی جان قابل زاده را هر چند پیش از یکبار در زندگانی اش ندیده ام، شاد نسازم... باور بفرمایید که شعر سازمان عرشیان این شاعر عزیز از مطلع تا مقطع هر بیت آن از زیبا یها و وجاهت خاصی برخوردار است ...

سیر کو اکب میروم اشک یتیمان در بغل

بخت زمین آغاز شد از هر دهن آواز شد

من نیز بر پا خاستم قانون افغان در بغل

نی کار ملت میکنند، نه بار دولت می برند

اینک سندهای عجیب دارم بر نشان در بغل

نه باز پرس از احاکمان، نه گوش برداد کسان

پیوسته جرم این و آن دارند پنهان در بغل

سیل سرشک دیدگان ویران کند آخر جهان

من هم فراهم ساخته ام صدموج طوفان در بغل

ملاحظه فرمودید که باچه عبارات زیبا از اعمال و سهل انگاریهای قوهٔ حاکم در کشور، زبان به شکوه گشوده و انزجار خود را بر ملا ساخته است، اما دریغ و درد که عمال سرکاری در هر فصل و زمان بارو بکار آمدن هر رژیم در کشور، یعدالتی و حتی ستمکاری خود را در حق این ملت مستضعف و بی دفاع روا داشته و دمار از مردم بیچارهٔ ما بر آورده اند. در شعر (سودای وطن) میخوانیم که شاعر فریادمیکشد: دل ز سودای وطن آمده یاران به خروش
نالهٔ سینهٔ ما باره کند پردهٔ گوش
هر طرف مینگرم غم سر غم خوابیده
مرده ها مردهٔ دیگر بگذار ندبه دوش
قامت پیرو جوان خم به تقاضا چو کمان
تیر ییادزند زوزه که بیهوده مکوش
یکطرف مردم بیچاره به تن کهنه نند
یک طرف دستهٔ افسرده بدون پا پوش
هیچکس ملتفت چاره نشد باقی مرد
مفتخوران مگر از نسل سباعند و وحوش
جمعی آسوده بفکر شب و عیش خویشند جام می در کف و گوبند بهم نشاوتش
نشیدهٔ پر شور و مالا مال از درد و انزجار و اربانام (گوهر اشک) ناگزیرم بکمقدار
به این یادداشتهای خودم اضافه نمایم، و مقبولی و مصارع و جوهر سخن و برداشت روانی و اجتماعی قابل زاده را بیرون نویس سازم، تا روان پاک و روح تابناکش از من شاکی نباشد : (دنباله در صفحهٔ هفتم)

سهراب پروان دره یی

به پاسخ گردانندهٔ تلویزیون پیام افغان

بعدازسلام، جناب خطاب!
شما دربرنامهٔ مخصوص تان بامحترم حاجی محمد داوود، درموردامضای پیمان امنیتی افغانستان وامریکابه پرسشهای سئوال کنندگان پاسخ ارائه میکردید، نگارنده بساعت ۱۱روز جمعه عدسمبر۲۰۱۳ بوقت ارویابه قسمتی ازآن گوش دادم وشمارا آدم متعصب وضدوحدت ملی یافتم، به دلایل آتی:

۱-کسانیکه ازملیتهای برادر یعنی غیرازبرادران پشتون به مجردیکه زنگ می زدندوشمالزلهجهٔ شان درک میکردید که پشتون نیست، فوراً درچهره وصدایتان تغییری روی میداد، کو تاه جواب میدادیدواز موضوع طفره میرفتید ولین را قطع میکردید. بایندباراخلاق رسانه ای سئوالات را تااخیربشنوبدویاپیروی از اصول زرین وحدت ملی تا آخرجواب راجه منفی یامثبت، بااحساس مسئولیت وبه درستی ارائه بدارید.غرورو تکبر کارشیطان است! جان ملت برلب رسیده.

۲-شما بدون موجب به استادرانی شهیدراه صلح وداکتر عبدالله شخصیت ملی حمله کردیدو آنها رامزدور وجاسوس ییگانه خواندید، کیی که تالاحال در تاریخ معاصر افغانی بکلی نو وبک تهمت است، و خبت باطن شماراتشان میدهد. باید سندا راته بدارید.از شماسئوال میکنم اینهاچه وقت مزدوری وجاسوسی کرده اند وبه کی کرده اند؟ درهیچ کتاب ورسانه وهیچ قطعهٔ تاریخ من نخوانده و ندیده وحتی نشنیده ام.

۳-پشاورو کشمیر را سردارطلایی به چندطلائی ناچیز به رنجیت سنگه فروخت:
۴-معاهدهٔ گندمک را یعقوب خان نیمه دیوانه بانگلکسهابه امضاسانید، وه دخط دیورندراهم امیرعبدالرحمن امضا کرد که جنجالهای فعلی ناشی ازهمین وطنفروشی هاست! واینهاهمگی از قوم شماعمر خطاب میباشند! چشم خوراراباز کیندمردانه وار گناهان هم تباران تان را نپذیرید، و خود برای جبران آتמה خیانت وجنایت اقدام کنید، نه اینکه دیگران رایى جهت ویی اساس مورداهدانت ودشنام قرار میدهید.

ع چندسال قبل در زمان مشرف بودیاوایل حکومت زرداری، که کرزی با پاکستان سخت گرفت و گفت:میآیم ودرههاتانابودتان میکنیم! گپ بسیار ساده لوحانه، بنابر آن پاکستانیاهم سخت برآشفته شدندواخطاردادند که برخی ازا عضای کابینهٔ افغانستان عضویت آی اس آی رادارندو حکومت پاکستان در صورت ادامهٔ اوضاع ناهنجار فعلی مجبورامیخواهدلست نامهای ایشان را افشا سازد. بعداز آن کرزی ازراه علنر وزاری پیش رفت، ولی ییستمین سفرش به پاکستان هم با قتل ارسلاحمال والی لو گر جواب داده شد!

۷-شما بهتر میدانید ترکیب حکومت کرزی بیشتر از حزب گلبدین، افغان ملت وطالبان است واینهاهم مزدوران پاکستان اند. باسلطهٔ پاکستان برافغانستان راضی میباشندولی بابادران بومی تاجیک، اوزبیک وهزاره ناراض، بشمول خود شما ودریک کلام قهرمانان شمال هیچوقت ودرهیچ مقطه تاریخ، یک وجب خاک مهن را نفروخته اندومزدوری هم نکرده اند. هریازی نامشروع وضدملی به دست شما یان انجام شده وامروز که قرن ۱۲است، جهان به کرهٔ مریخ رفته، وما بقول منابع بین المللی وملی همپایهٔ کشورسومالی هستیم و درموادمخدر،فساد اداری ونودحوکومتاری خوب در جهان اول نمره! (مبارک باشدبه کرزی لقب بابای ملت)!

لدابه هوش ییابید، حقایق را کماحقه به مردم بگوید، حالامرد ما هوشیار شده اند، خابن وصادق ودوست دشمن رانتییز میکنند، به سخنهای یی پایهٔ ناشی از فقهده های متراکم شدهٔ قومی، سمتی وزبانی بازی نمی خورند، بایعدالتی وعظمت طلبی مبارزه مینمایندوحق خودرا از ذهن روباهای بز دل میگیرند!

۸-شمار امجور ساختید تا صورت(عربان) گپ بزنم ویرداشت وطنداران غیر پشتون را که ط رفادروحدت ملی، استقلال وآزادی اندو افغانستان را برای افغانستان میخوانند، بیان بدارم. اگر تندنوشته ام بجا بوده وهیچ هم قابل علنرخواهی نیست! استادرانی شهیدراه صلح بدست نایاک آی اس آی شهیدشودا کتر عبدالله کاندیدریاست جمهور اوزاصلاز بار کز ایهای ولایت هیرمند است. ازملت حق شناس مامیخواهم درانتخابات جلومداخلات نا مشروع بابگیرند وبه کاندید مستحق رأی بدهند. داکتر عبدالله شایسته ترین کاندیدرمیان کاندیدان فعلی به نظر میرسد،

و ۹-بالاخره اجازه بدهیداز شماوامثال شما یک سئوال بکنم: اگراستاد ربانی شهیدراه صلح وشهیداحمدشاه مسعودقهرمان ملی افغانستان که به هردوشخصیت ارزش قابل نیستید، ومسعود راقوماندان عادی می گوید، ومحبویت هردورا در میان مردم افغانستان بشمول قوم پشتون (غیر از شماوامثال تان)مشاهده کرده اید، به قوم پشتون تعلق میداشتند و گلبدین، حفیظ الله امین وحقانی وملا عمر آخوند از قوم تاجیک می بودند، در آن صورت قضاوت شما در موردشان چگونه می بود؟! آیا توان وجرئت پاسخ این سئوال رادر خود می یابید؟ ییابه اصطلاح کابلی (قر) میگوید؟ شرافتمندان جواب بدهید. والسلام /

مهرنی سه رساله تازه
(دنباله ازصفحهٔ چهارم)
کتاب سوم : اندیشه درجام غزل، اثر: وکیل ناله : مجموعهٔ مرزین باندیشه های شاعرانهٔ هموطن عزیزوکیل ناله که با اشعارش تازه آشامیشوم، همین هفته از دست کوشان عزیز بدستم رسید، که باقطع زیادهار ۱۸ صفحه باهمکاری اقبال آفتاب تازه پچاپ رسیده است. ازتفصیلی که درپشتی کتاب درج است، چنین برمیآید که شاعر عزیز ناله، زادهٔ سرزمین زیبای قلعن است وشعرسرای رادر ۱۹۸۴ آغاز کرده است. اشعارش زیادتر به سبک پیشینهٔ کلاسیک می باشد که اخیراً نشیده هایی درقالهای شعر آزاد نیزسروده است.نخستین دفترشعری اش باعنوان(انگارهٔ شرق) درسال ۱۹۹۱ انتشار یافته، وبعدگزیده ای ازرباعیاتش بنام (گردش گردون) به دوستداران شعروادب ارائه گردیده است. آثاردیگروایا عناوین(تکیه های بی تکیه)،(خودآورد) و (کو؟) نیز پچاپ رسیده است. اینک یک نمونه از مجموعهٔ اندیشه درجام غزل، زیر عنوان(آواز) تقدیم میشود:

امشب چه معنی به دلم ساز میکند
کز رگ رگ تنم سخن آواز میکند
درلابای پرده به آلاب می روم
بشنو که از مقام نغمه چه پرواز میکند
نازم نوای بزم غزل های ناب را
کز تار سینه زمزمه انداز می کند
مطرب میان دل به نوازش نشسته است
زاهد به ریش وسیحهٔ خودناز میکند
درسجده گاه عشق نمازش داشود
هر آنکه باب معنی به رخ یاز میکند
آهنگ تاز هستی که وجدی نمیدهد
هر کس تمام وزاهدش آغاز میکند
شورسرو وموج ترنم رسدبه اوج
ازنی برون (ناله) که هر راز میکند
بهر حال، در پایان معرفی مختصر سه کتاب پرمحتوا وارزشمند، صحت وسعادت برای هر سه شاعر واندیشمند عزیز انتجیر محمد هاشم راین، داکتر امین رافق و وکیل ناله، اذر گاه یزدی نیاز کرده، سخن رابا این چندمصراع حافظ خاتمه میدهم :
الا ای طوطی گویای اسرار
مبادا خالیت شکر ز مقدار
سرت سبز و دلت خوش باد جاوید
که خوش نقشی نمودی از خط یار
ییا و حال اهل درد بشنو
به لفظ اندک و معنی بسیار
به یمن دولت منصورشاهی
عَلم شک حافظ اندر نظم اشعار

محمد سعید فیضی

المیدا ـ کالیفورنیا

ایالت تاریخی سیستان و بلزید انگلیس هالز آن به سرپستی مکماهون

سیستان سرزمینی است تاریخی، که تاریخ آن به زمانهای بسیار دور کشیده می شود. انگلیسها چندبار محققین بنام خود را به آن سرزمین گسیل داشته اند، که یکی از آنها سر هنری رالسون است که دربارهٔ سیستان تحقیقات بسیار پرباری دارد. دیگر آن لرد کرزن معروف، که زمانی وایسرای هند بود، معلومات مفصل در بارهٔ سیستان ارائه کرده است.

سیستان که به نام زابلستان نیز یاد می شود، سرزمین قهرمان معروف رستم دستان است. سکندر کبیر هنگامی که در سال ۳۳۰ قبل ازمیلاد از آنجا عبور کرد، در آنوقت تاریخ نویسان (ورتجیانا) یاد می نمودند، و مورخینی که با لشکر سکندر یک جا به آن دیار رفته بودند و از تمدن عالی شأن آن دربار تعریف بسیار نموده و گفته اند مردمان آن جا با مسدینت آشنا هستند .

آقای محمد سعید فیضی

در قرن دهم میلادی سیستان یک سرزمین آباد دارای تمدن عالیشان بوده و دارای ثروت فراوان بود، که چنین ثروت افسانوی بلای جان آندیار گردیده است. بنده دربارهٔ این ثروتها نگارش مفصلی دارم که درجلددوم (افغانستان و جهان) آورده ام .

سلطان محمود غزنوی، چنگیز خان، تیمورلنگ ودیگر کشورگشایان نیز بر سیستان دست یافته اند، که داستانهای حزن انگیزی از آن زمان به یادگار مانده است. تیمورلنگ در جنگ اول خود با سیستانپناهشکست سختی خورد و در برای خود زخم مهلک برداشت، که از همان تاریخ به بعد به اسم تیمورلنگ مشهور شد. بعداز آن تاریخ بود که تیمورباخود پیمان بست که درقبال شکست وشکستن پا ازسیستانپناهتعام خواهد گرفت، وبه عهدخود وفاتمود. زمانیکه برسیستان دست یافت، تمام سیستان راویران کرد و مردم آنرا از تیغ گذرانید، وشهر زرنج را که در آن ایام مرکز سیستان بود، وسکتهٔ آن در برابر تجاوزمردانه جنگیدند، بند سیستان رانیزویران نمود، که جنایت بس بزرگ تاریخی محسوب میشود، هم چنان انهار آندیار راپسرش شاهرخ ویران کرد که تاامروز کسی دیگر همت نیافت که آنرا آباد نماید، یعنی سیستانی ها از آن زمان به بعد روی آبادی رانددند .

خانوادهٔ کیانی که از موسسین سلسلهٔ هخامنشی است، چندبار کوشیدند که عظمت گذشتهٔ سیستان را احیانابند، اماممکن نشد. پس از نادرافشار، سیستان بدست احمدشاه ابدالی افتیدوایک دختر کیانی ازدواج کرد، که متأسفانه من نتوانسم از اولادهٔ او اثری به دست یاورم، گفته میشود که تیمورشاه از بطن همین دختر کیانی بدنیامده است، و افغانها تا امروز بر آن ایالت پادشاهی نمودند . تا اینکه در سال ۱۹۷۲ انگلیسهاواردسیستان شدند، که باراول بدست یک تلگرافچی که لین تلگراف راز کوپته بسوی ایران تمدید میکرد، وارد آنجا شد و بزودی ترفیع نمود وانگلیسهاورا بنام جنرال سمیت به رسمیت شناختند و بعداز آن تاریخ وی بنام جنرال اسمیت معروف شد وسیستان را بین ایران وافغانستان تقسیم نمود.

پس از وی، مستر مکماهون که ۱۵۰۰ عمله وفعله به سیستان رفت که در هیئت یکصد نفر صاحب منصب انگلیس که هریک در فنی متخصص بودند، حضور داشت. مکماهون ماموریت داشت از جنوب وزیرستان تا کوه ملک سیاه خط سرحدی افغانستان و بلوچستان را نقش برداری نموده واعلام سرحد نماید، که تقریباً هشتصد مایل را دربر میگرفت. بعداز مکماهون شخصی بنام کلنل (هولدج) ماموریت یافت تا به منظور تقسیم ایران بین روس وانگلیس زمینه را فراهم نماید. در انجام این مأموریت لرد کرزن که فرمانروای هندوستان بود، نقش اساسی داشت، وحکومت هند که در آنوقت از روسها برای حفظ هندو کش سخت وحشت داشتند، بخاطریکه روسها در اوج قدرت ونفو ذسیاسی بودند، بر عکس انگلیسها در اثر شکستهای پیایی در جنوب افریقا نفوذ خود را از دست داده بودند.

در چنین آوانی ماموریت مکماهون که دنبالهٔ ماموریت گلداسمیت بود، آغاز شد و ظاهر امو ضوع رسیدگی به اختلافاتی که بین ایران و افغانستان جریان داشت، ودولت انگلیس خود را به موجب مادهٔ ششم معاهدهٔ پاریس، حکم می دانست، کلنل مکماهون ودوزاده متخصص انگلیسی را که هر کدام در موضوعی متخصص بودند، روانهٔ سیستان کرد. مکماهون در اوایل ماه فیورری ۱۹۰۳ از کوپته حرکت نمود و در اواسط ماه مذکور وارد سیستان شد، ومدت توقف او برای اجرای اموری که موظف بود، دوسال وسه ماه رادر بر گرفت و در پیانزدهٔ ماه می ۱۹۰۵ از سیستان جانب هندوستان حرکت نمود.

ولی بعدها ناگهان مجرای دریا عوض شد و بطرف غرب آب جریان پیدا کرد، که مجرای تازه بنام رود پریان یاد گردید، این موضوع موجب اختلافات تازه شد و روز بروز شد بدتر گردید. باز هم به دولت انگلیس برای میانجیگری مراجعه شد. درین هنگام مکاهون حکم تعیین شد تا در مورد دریا ی هیرمند میانجیگری نماید. مکماهون بتاريخ یازدهم ماه می ۱۹۰۶ در اتجنم جغرافیایی لندن نیاینهٔ ذیل را ایراد کرد:

هیئت اعزامی ما به سیستان ۱۵۰۰ نفر بود که ۱۲ نفر آن صاحب منصبان انگلیس، یکمدهٔ زیاد اهل فن ومتخصص انگلیس، وزیرستان بومی آنها(هندوستانی ها) افراد کشوری وبکتمداد دوصد نفری پیاده نظام و پنجاه نفر سواره ولوازم ازهر قبیل بطور فراوان همراه بود، که قابل نمایش در انظارخودی ویگانه بود، و وضع ومقام مارادر مقابل معاندین یا مداخلاتی که ممکن پیش یابد، حفظ نماید. ما خود را برای هر پیش آمدی مجهز کرده بودم، در سرما و گرما، در هنگام سیلاب و طغیان آب در یاهاو یاعبور از دشت های بی آب وعلف. حسن کار این بود که ما طوری خود را آماده ساخته بودیم وبه اندازهٔ وسایل داشتیم که میتوانستیم در مقابل هریش آمدی مقاومت نمایم .

در اوایل جنوری(ژانویه) ۱۹۰۳ از شهر کوپته حرکت کردیم و در امتداد صحرا برای رسیدن به دریا ی هیر مندراه می پیودیم تا به آن رود رسیدیم. عدهٔ دیگر قبل از ما رسیده و در کنار دریا ی هیر مند دچار برف شد و بسرمای هو لناک شده بودند این اولین سرمای شدید بود که درین سفر مقدر شده بود که بارها گرفتار آن شدیم. این برف شدید بسیار مارا عذاب کرد و سه نفر تلفات دادیم که از سرمای شدید تلف شدند، وعدهٔ زیادی از شترهای مانیز تلف شدند، بالاخره از آنجا حرکت نمود و در اواسط جنوری به سیستان رسیدیم. زندگانی وحرت ما غالباً مطابق آب و هوای محیط تنظیم میشد. ایالت سیستان فقط دو موسم دارد زمستان وتابستان، بهار وبایز اصلاً در سیستان وجود ندارد. انسان در مدت چند ساعت از سرمای زمستان وارد گرمای تابستان میشود. تابستان از ماه اپریل شروع شده تا ماه نو مبر یعنی هفت ماه ادامه داد، این ایام طولانی خسته کننده است، (دنباله در صفحهٔ هفتم)

حسین سرهنگ

فردوسی و شاهنامه (شاهنامه)

جنگ دوقهرمان از دیدگاه فردوسی، قهرمان خراسانی و ایرانی (دنباله از شمارهٔ ۹۶۴) البته تحایف دیگر از قبیل زیورات، غلامان، کنیزان، ذره، تیرو کمان، شمشیر و گرز وغیره نیز فراوان همراه با این قرار داد بود.

به مهرش منوچهر عهدی نبشت
سراسر ستایش به سان بهشت
همه کابسل و دنیرو مای هند
ز دریای چین تا به دریای سند
ز زابلستان تا بـدان روی بست
بنوی نشنند عـهدی درست
در آن زمان بست نام کنونی لشکرگاه مر کز هیرمند بود، امروز هم میدان هوایی شهر لشکرگاه بنام میدان هوایی بست یاد میشود. آن روی بست که اگر از زابل محاسبه شود، که به سمت شرقی بست قرار میگیرد، تا مناطق غربی شهر بست. سام پسرش زال همراه با آرگاه وبارگاهش وتحایف فراوان به سمت زابلستان براه می افتند:



سوی گر گساران و مازندران
همی راند خواهم سپاهی گران
آقای حسین سرهنگ
در عین حال سام از بی تجربگی ونابلدی زال در امور دنیوی به تشویش میباشد، و قبل از حرکت پسرش رابسیار وعظ ونصیحت میکند. در ضمن برای پسرش سفارش میکند که اگر دق آورد، یک چکر طرف کابل وهندوستان برود:
و گر تنگ دل گردی ای نامدار
سوی کابلستان یکی کن گذار
دگر با خرمدند مردم نشین
که نادان نباشد بر آیین و دین
که دانا ترا دشمن جان بود
به ازدوست مردی که نادان بود
علما، سیاستمداران ودانشمندان متعددی راسام موظف کرده بود که زال را همه چیز یاموزند :

چنان گشت زال از بس آموختن
که گفتنی ستارست زافروختن
به رأی وبه دانش به جایی رسید
که چون خویشتن در جهان کس ندید
بعد از چند وقتی زال در زابل خسته میشود وبه کابل وهند رو می آورد. در نزدیکی کابل باهمه لشکریان وهمراهانش مانند علما، دانشمندان، سیاستمداران، غلامان، کنیزان وغیره عمله وفعله خیمه و خرگاه می گذارند، وبه مهرباب شاه کابلی، شاه کابلستان، احوال میفرستد که ویلعهد زابلستان جهت خوشگذرانی به کابل آمده. مهرباب شاه کابلی به پذیرایی زال به خرگاهش می آید:

برون رفت مهرباب کابل خدای
سوی خیمهٔ زال زابل خدای
به لشکر که زال آمد فرود
فرستاد او را نـستار و درود
به زال او بسی آفرین ها بخواند
همی این از آن آن ازین خیره ماند
وقتی مهرباشاه کابل دوباره قصرش برگشت، زال شروع کرد به تعریف او:
چنین گفت با مهتران زال زر
که زبنده تر زین که بندد کمر
بعد از تعریفهای فراوان زال امهرباشاه کابلی، یکی از بزرگان از میان برخاسته وبه توصیف دختر جوان ومقبول مهرباب شاه پرداخت :

پس پردهٔ او یکی دخترست
که رویش زخورشید روشترست
دل زال یکباره دیوانه گشت
خرد دور شد عشق فرزانه گشت
البته در شاهنامه این قضیه به تفصیل وجزئیات فراوان ذکر شده که فشردهٔ آن در اینجا به نشر در آورده شد، باتضمین ایبات پرانکده از شاهنامه. به صاحبان واهل ذوق این مضمون لازم می افتد از ماخذ اصلی مستفید شوند.
وقتی مهرباب شاه کابلی به خانه بر میگردد و قرامی یابد، خانش (سیندخت) از وی میپرسد که این زال نام چه نوع مخلوقی میباشد، خوی پرنده دارد، خوی حیوانی دارد، واز انسانیت هم بهرهٔ دارد یاخیر؟ در جواب مهرباب شان آنچه از زال مشاهده کرده بود، همه را یک به یک نزد خانش تعریف میکند، بطور مثال :

دل شیرین دارد و زور پیل
دودشش به کردار دریای نیل
چون این سخنان را رودابه، دختر مهرباشاه میشود، نادیده بر زال دل می باز دو
به کنیزان خود میگوید چارهٔ ساخته وامکان دیدار و ملاقات را با زال جستجو کنند:
چه نیکو سخن گفت آن رای زن
ز مردان مکن یاد در پیش زن
چون این تقاضای رودابه در نظر کنیزانش خیلی عجیب وغریب ودوراز آداب خاندان شاهی جلوه مدهد، به رودابه نصیحت کرده ومیکوشند او را از تصمیمش منصرف بسازند، ولی چون آنهاون کران دختر پادشاه بودند، نظر رودابه به کرسی نشست. مکرو حویهٔ کنیزان باعث چاره سازی شد که رودابه با زال هم بسترشود ودر نتیجه رستم به دنیا آید. در اینجا هیچ جای شک نیست که رستم از طرف پدر ومادر خراسانی (یعنی افغانستانی امروزه) است، باوجود آنکه علماو دانشمندان ایرانی رستم را چون سیدجمال الدین افغانی ومولانا جلال الدین محمد بلخی مال ایران میدانند، ولی اگر اندکی دقتتر توجه شود، معلوم میشود که پدر وپدر کالان رستم باشند گان زابل بو دومادش دختر کابل بود. دلایل فوق بهترین اسنادی شده میتوانند در مناظره باخواهران وبرادران فارس ما(ایرانی امروزه)!

داکتر پرویز نائل خانلری در کتاب(ایران باستان) آورده که در هزارمین سالگرد

فردوسی منعقد سال ۱۹۷۵ در پاریس، استادخلیل الله خلیلی در ضمن سخنرانی اش گفت که دانشمندان وعلمای ایرانی افتخارات افغانی را از خود میدانند، که مولانا از جملهٔ مثالهای بارز این نوع سوء تفاهدهامیباشد. آیا بر ایرانیان چه احساس خواهند کرد اگر افغان ها بگویند که حافظ مال افغانستان است؟!

پس از استادخلیل الله خلیلی، نوبت سخنرانی به احمد شاملو رسیده که در ابتدای

سخنرانی اش به جواب استادخلیلی اشاره کرده که اگر افغانها بگویند که حافظ مال افغانستان است، ایرانیها دیگر آزرده نشده باشند، باید گفت که فردوسی مال افغانستان است،

واین را به چندین دلیل به اثبات رسانند:

۱- فردوسی بهترین دورهٔ سه ساله اش را در غزنی یا پختن افغانستان آن زمان سپری کرد، ۲- از متن شاهنامه هویداست که فردوسی به مناطق مختلف سر زمین افغانستان امروزی ومردم آن مرزوبوم علاقهٔ خاصی داشته، بطور مثال در جلد اول شاهنامه نام (کابل) را ۳۱ بار یکار برده، تهران را یکبار. ایران ۷ بار، قندهار را ۲ بار، زابل ۱۸ بار، کابلستان ۱۲ بار، غزنی ۳ بار و زابلستان ۱۵ بار.

۳- فردوسی سعی بخرج داده که پشتو را فراگیرد، واز کلمات پشتو در شاه نامه خال خال به نظر میخورد، مثلاً کلمات کوژ به معنی کج، برخ به معنی بهره یاحصبه، تگ به معنی رفتار یا دودان، تاو به معنی طاقت وغیره . همچنان از زبان باشندگان خراسان زمین و کابلستان و زابلستان (افغانستان امروزه) (صفحهٔ هفتم)

درویش دربادلی

دوستم یک جنرال است یا نگهبان طویله ؟

متفکرنازک آوازجهان، اشرف غنی جان، دیروزدریک سخنرانی بسیار خجالت آورگفت همه رقبیان انتخاباتی ام چلنج میدهم که درهرجای که می خوانندیابندهمرای من مناظره کنند. اگر از مناظره بامن میترسند، پس یابندبا پهلوان دوستم مسابقه بز کشی بدهند. اگر اسب ندارند ، جنرال دوستم برای شان اسب هم می دهد !

این گفته های کوچه بازاری متفکردیوانه مشرب جهان، باخنده های بسیار کچه وسبک ویوک وی همراه بود، خنده هاییکه ناممکن است کسی ازیک انسان هوشمندو باوقارهرگز بشنود وبینند. این سخنرانی کوچه بازاری متفکر پوشالی جهان، بخاطری اهمیت دارد که ما از شنیدن ودیدن آن به نگرش واقعی اشرف غنی ودیگر فاشیست های قبیله پرست اوغان به خویی پی می بریم . اینکه آقای رشیددوستم خودش را گاهی به این و گاهی به آن می چسپاندو یک سیاست معامله گری و زیرپا کردن همه تعهدهارهمیشه درپیش میگیرد، مساله جداگانه است. امانگاه اشرف غنی به موقف اجتماعی رشید دوستم بسیار جالب است. وقتی سخنان اشرف غنی را کسی بشنودنمی داند که دوستم یک جنرال نظامی ورهبر قومی است یا یک نگهبان طویله بابای اشرف غنی ؟! آقای عبدالرشیددوستم ، هر کسبیکه هست وهرقدرسواد و سویه ای که دارد مربوط به بحث مانیشود. چیزی که نمیتوان انکار کرداینست که آقای دوستم در جریان سی سال گذشته، یک جایگاهی بسیاربلندرمیان مردم اوزبک در اوغانستان پیدا کرده است ویساری از اوزبکهادوستم رارهبر خودمیدانندو برایش احترام دارند. امروز، کس پخواهدپانخو اهدآقای دوستم یکی ازباز یگران بسیار مهم درپهنهٔ سیاست اوغانستان است که نشست وبرخاست وی همیشه با رئیسهای جمهور، صدراعظمها، وزیران وسفیران وقدرتمندان داخلی و خارجی میباشد. دوستم نسبت به اشرف غنی احمدزی، هم درفرز او و فرودجریانات سیاسی اوغانستان سهم داشته وبکی ازچهره هاو مهره های اصلی دربازبهای سیاسی سه دهه اخیربوده است، هم قدرت نظامی بیشتر دارد، هم قدرت مردمی اش دهها مرتبه بیشتر از اشرف غنی میباشد. اماچراوبه چه دلیل اشرف غنی دوستم رادر حضور تمام مردم اوغانستان تاسطح یک طویله بان واسپچران و بزکش پایین میسازدوبه او که خودرا پادشاه ساز وبکی ازمهم ترین شخصیت سیاسی در اوغانستان می داند توهین می کند ؟!اشرف غنی خودش چه دارد ؟

اگر اجداددوستم گله بان واسپیدوان وخانه بدوش بودند، پدران اشرف غنی نیز شترچران و کوچیهای سرگردان بودندوقوم وخویش وی همین امروزهم در خیمه هازندگی میکنند واشرف غنی وبرادر وخانواده اش ازانام همین کوچی ها برای خودجایگاه وپایگاهی میخو اهندببازند. ازاین نظر، اشرف غنی کدام امتیاز برجنرال دوستم ندارد که به خاطر آن دوستم را توهین کندو کوچک بسازد. چیزیکه اشرف غنی راحق گستاخی میدهلوجنرال دوستم رادر نظرش کوچک جلوه میدهد، حس برترنگری، حس خودبزرگ بینی و تفکر فاشیسم اوغانی اش است. اشرف غنی، یکی ازچهره های برجسته وبکی ازنخبگان درجه اول فاشیسم پشتونی دراوغانستان میباشد. فاشیستهای اوغان، پشتون راا زهمه باشندگان اوغانستان بلندتر و بزرگتر وپاکتر وشیاسته تر ومستحق تر برای رهبری ودولتداری می دانندودیگران راسز او ار غلامی و پای دوی وحقات و ذلت. در چشم اشرف غنی، دوستم حیثیت بیشتر از یک(نفر خدمت) ندارد. بگذریم از اینکه اشرف غنی نفرت خود را از دوستم در گذشته آشکاراییان کرده است ودوستم رایک جنانبتکار جنگی میشمارد که باید به پنجه قانون سپرده شود .

میگویندسرای قروت آب گرم است. عبدالرشیددوستم، خودش، با حماقت خود، تیشه به ریشه خودوقوم خودزده است . کودن ترین آدم نیزاینقدر میدانند که رفتن با اشرف غنی هیچ سودی به دوستم و اوزبکهندار د.اشرف غنی چه و کی هست که معاون اولی بودنش باشد؟لودگی دوستم به حدی است که اشرف غنی درپیش روی خلق خدابه شکل بسیارشرمبار او را توهین وتحقیر میکند و ذلیل می سازد، ادادوستم به جای پاسخ دادن به او، میگوید که اگر من باداکتر عبدالله می بودم اوغانستان تجریه می شد !

دوستم نمیگوید که من برای توهین شدن وذلیل شدن باتو کوچی شترچران یکجانشدم. دوستم بجای تملق بیشتر، بایدبه اشرف غنی میگفت که: او که قاق، او چونگی شترچران، تو گپ زدنته یاد نداری. مه یک رهبر هستم، از تو کرده هم زور دارم، هم قدرت دارم، هم پایگاه مردمی دارم، توبه کدام حق و کدام جرئت نقش و موقف مرا تاسطح یک طویله بان واسپدوان تقلیل میدهی ؟

زندگینامه نلسن ماندلا
(دنباله ازصفحهٔ سوم)
مندیلابه شهر جوهانسبورگ رفته اقامت گزین شدوبه کارهای مختلف مانند کتابت و پاسداری مصروف گردید.تحصیلات خود را تادرجهٔ لیسانس ازطریق کورسهای مکاتبه تکمیل ودانشگاه ویتوادر ستارند جهت تحصیل دررشتهٔ حقوق شامل شد.اويزودی در ۱۹۴۲به تحریک ضد تبعیض نژادی شامل شد. در کانگرس ملی افریقایی یکتعدادجوانان افریقایی بودند که خودرامربوط به اتحادیهٔ جوانان کانگرس ملی میدانستند. هدف اصلی این گروه تغییر کانگرس ملی یا(آن سی) به یک حرکت بنیادی که قدرت خودرا ازملیونها نفر کارگرو دهقان که صدای شانراکسی نمی شنید بگیرند، بود. گروه جوانان فکرمیکردند که اجرات و پیشآمدوسیاست حکومت به مردم کهنه شده است.

درسال ۱۹۴۹کانگرس ملی افریقارسمأازطریق تحریم اتحادیهٔ جوانان راکه عبارت ازاعتصاب، توزیع زمین وتحصیل بدون پرداخت پول به همه اطفال را پذیرفت. مندیلایست سال حرکات سالم وبدون مخالفت ومقاومت برضد پالیسی حکومت افرقای جنوبی رااداره کرد. وی به اشتراک تمبور اولیورتمبو بنیاد دستگاه قانون را گذاشت تاازین طریق به مردم کم بضاعت سیاهپوست کمک شده بتواند.

حبس مندیلای: درسال ۱۹۵۶مندیلای با ۱۵۰نفردیگربنام خابین گرفتار شدند (سرتاجام آزادگردیدند) درعین وقت فعالین جوان سیاهپوست افرقای جنوبی کانگرس ملی را انتقادکردندوفعالیت آنرابی تأثیر خواندند. بزودی طرفداران افریقا از کانگرس خارج شده وکانگرس همه افریقایی راتشکیل داد. این حرکت بالای کانگرس ملی تأثیرمنفی کردویکتعداد طرفداران که به آن معاونت میکردند راازدست دادند. مندیلای که تاسال ۱۹۶۱طرفدارمظاهرات آرام بدون استعمال اسلحهٔ گرم بدون مخالفت بود، مفکوره اش راتغییرداده راه پیشرفت جهت ازین برداشتن تبعیض نژادی رااستعمال اسلحه دانست، وبه خرابکاری آغاز کرد. درسال ۱۹۶۱مندیلایا اعتصاب سه روزهٔ کارگران راترتیب داد، اوجهت رهنمایی این اعتصاب، گرفتاروبه پنج سال حبس محکوم شد .

نلسن مندیلایازمجموع ۲۷سال حبس، ۱۸سال آزادرجزیرهٔ رابین گذرانید. در این وقت مندیلای به مرض سل گرفتارشده که بجث سیاه پوست کمترین توجه به علاج اومعطوف گردید. درسال ۱۹۸۵رئیس یوتا به مندیلایپیشنهاد کرد که اگر دست ازاستعمال اسلحه بردارد، اورا رامیکند، مندیلای این پیشنهاد رارد کرد. وقتیکه یوتا به سکنهٔ قلبی مبتلا شدوبه عوض او دیکلارک مقرر گردید، درسال ۱۹۹۰مندیلای را از زندان رها کرد.

به ریاست رسیدن مندیلای: نلس مندیلای باآزادی ازحبس بصورت عاجل از قدرتهای خارجی خواهش کرد تا فشار خود را از حکومت افرقای جنوبی دربارهٔ اصلاح قانون اساسی کم نکنند. وقتیکه مندیلای مصروف دستیابی به صلح بود، اعلان کرده بود که کانگرس ملی افریقایی تاوقتی اسلحه به زمین نمیگذارد که به باکتریت سیاهپوست حق رای داده نشود. درسال ۱۹۹۱مندیلای بچیت رئیس کانگرس ملی افریقانتخاب شد. در سال ۱۹۹۳ به مندیلایورئیس دیکلارک نسبت کوشش درراه صلح و محو تبعیض نژادی جایزهٔ صلح نوبل اعطا گردید. در ۲۷اپریل ۱۹۹۴افریقای جنوبی اولین انتخابات دمو کراتیک را برگزار کرد و مندیلای درین انتخابات بچیت اولین رئیس سیاهپوست افریقایی انتخاب شد. وی درین وقت ۷۷ساله بود .

درسال ۱۹۹۹پس ازتقاعد، به جمع آوری پول جهت آبادی مکاتب و شفاخانه هادرقسمت دهات کنشورش مصروف شد. وی سه مرتبه ازدواج کرده بود. /

دوستم یایدبجای تملق بیشتر، بلندمیشودر برابر رسانه های همگانی و در همان حالت سخنرانی، چندقفاق محکم به دهان اشرف غنی میکوبید تا مردم میدبندد که جنرال دوستم یک آدم باهمت است. ولی دوستم پس از شنیدن آنهمه مسخرگی که بالایش شد، خیست وچرند گفت وبه خود بیش ازپیش توهین کرد.میگویند که خود کرده را نه درداست ونه درمان. جنرال دوستم ، خودش خودراخوار ساخت وبه دامن یکی از فاشیست ترین فاشیستهای اوغان انداخت. سزایش از این بدتر ! /

فردوسی وشهنامه
(دنباله ازصفحهٔ پنجم)

نقل قول کرده واز کلمات دری استفاده کرده، که حتی امروزهم درسوزمین فارس(ایران امروزه) استفاده نمی شود. مثلالدر جلدسوم تحت عنوان(رای زدن رستم باخوشان) از دهان رستم پسر رودابهٔ کابلی میگوید :!
(دنباله در ستون سوم)

زندگینامه نلسن ماندلا

مندیلابه شهر جوهانسبورگ رفته اقامت گزین شدوبه کارهای مختلف مانند کتابت و پاسداری مصروف گردید.تحصیلات خود را تادرجهٔ لیسانس ازطریق کورسهای مکاتبه تکمیل ودانشگاه ویتوادر ستارند جهت تحصیل دررشتهٔ حقوق شامل شد.اويزودی در ۱۹۴۲به تحریک ضد تبعیض نژادی شامل شد. در کانگرس ملی افریقایی یکتعدادجوانان افریقایی بودند که خودرامربوط به اتحادیهٔ جوانان کانگرس ملی میدانستند. هدف اصلی این گروه تغییر کانگرس ملی یا(آن سی) به یک حرکت بنیادی که قدرت خودرا ازملیونها نفر کارگرو دهقان که صدای شانراکسی نمی شنید بگیرند، بود. گروه جوانان فکرمیکردند که اجرات و پیشآمدوسیاست حکومت به مردم کهنه شده است.

درسال ۱۹۴۹کانگرس ملی افریقارسمأازطریق تحریم اتحادیهٔ جوانان راکه عبارت ازاعتصاب، توزیع زمین وتحصیل بدون پرداخت پول به همه اطفال را پذیرفت. مندیلایست سال حرکات سالم وبدون مخالفت ومقاومت برضد پالیسی حکومت افرقای جنوبی رااداره کرد. وی به اشتراک تمبور اولیورتمبو بنیاد دستگاه قانون را گذاشت تاازین طریق به مردم کم بضاعت سیاهپوست کمک شده بتواند.

حبس مندیلای: درسال ۱۹۵۶مندیلای با ۱۵۰نفردیگربنام خابین گرفتار شدند (سرتاجام آزادگردیدند) درعین وقت فعالین جوان سیاهپوست افرقای جنوبی کانگرس ملی را انتقادکردندوفعالیت آنرابی تأثیر خواندند. بزودی طرفداران افریقا از کانگرس خارج شده وکانگرس همه افریقایی راتشکیل داد. این حرکت بالای کانگرس ملی تأثیرمنفی کردویکتعداد طرفداران که به آن معاونت میکردند راازدست دادند. مندیلای که تاسال ۱۹۶۱طرفدارمظاهرات آرام بدون استعمال اسلحهٔ گرم بدون مخالفت بود، مفکوره اش راتغییرداده راه پیشرفت جهت ازین برداشتن تبعیض نژادی رااستعمال اسلحه دانست، وبه خرابکاری آغاز کرد. درسال ۱۹۶۱مندیلایا اعتصاب سه روزهٔ کارگران راترتیب داد، اوجهت رهنمایی این اعتصاب، گرفتاروبه پنج سال حبس محکوم شد .

نلسن مندیلایازمجموع ۲۷سال حبس، ۱۸سال آزادرجزیرهٔ رابین گذرانید. در این وقت مندیلای به مرض سل گرفتارشده که بجث سیاه پوست کمترین توجه به علاج اومعطوف گردید. درسال ۱۹۸۵رئیس یوتا به مندیلایپیشنهاد کرد که اگر دست ازاستعمال اسلحه بردارد، اورا رامیکند، مندیلای این پیشنهاد رارد کرد. وقتیکه یوتا به سکنهٔ قلبی مبتلا شدوبه عوض او دیکلارک مقرر گردید، درسال ۱۹۹۰مندیلای را از زندان رها کرد.

به ریاست رسیدن مندیلای: نلس مندیلای باآزادی ازحبس بصورت عاجل از قدرتهای خارجی خواهش کرد تا فشار خود را از حکومت افرقای جنوبی دربارهٔ اصلاح قانون اساسی کم نکنند. وقتیکه مندیلای مصروف دستیابی به صلح بود، اعلان کرده بود که کانگرس ملی افریقایی تاوقتی اسلحه به زمین نمیگذارد که به باکتریت سیاهپوست حق رای داده نشود. درسال ۱۹۹۱مندیلای بچیت رئیس کانگرس ملی افریقانتخاب شد. در سال ۱۹۹۳ به مندیلایورئیس دیکلارک نسبت کوشش درراه صلح و محو تبعیض نژادی جایزهٔ صلح نوبل اعطا گردید. در ۲۷اپریل ۱۹۹۴افریقای جنوبی اولین انتخابات دمو کراتیک را برگزار کرد و مندیلای درین انتخابات بچیت اولین رئیس سیاهپوست افریقایی انتخاب شد. وی درین وقت ۷۷ساله بود .

درسال ۱۹۹۹پس ازتقاعد، به جمع آوری پول جهت آبادی مکاتب و شفاخانه هادرقسمت دهات کنشورش مصروف شد. وی سه مرتبه ازدواج کرده بود. /

دوستم یایدبجای تملق بیشتر، بلندمیشودر برابر رسانه های همگانی و در همان حالت سخنرانی، چندقفاق محکم به دهان اشرف غنی میکوبید تا مردم میدبندد که جنرال دوستم یک آدم باهمت است. ولی دوستم پس از شنیدن آنهمه مسخرگی که بالایش شد، خیست وچرند گفت وبه خود بیش ازپیش توهین کرد.میگویند که خود کرده را نه درداست ونه درمان. جنرال دوستم ، خودش خودراخوار ساخت وبه دامن یکی از فاشیست ترین فاشیستهای اوغان انداخت. سزایش از این بدتر ! /

فردوسی وشهنامه
(دنباله ازصفحهٔ پنجم)

نقل قول کرده واز کلمات دری استفاده کرده، که حتی امروزهم درسوزمین فارس(ایران امروزه) استفاده نمی شود. مثلالدر جلدسوم تحت عنوان(رای زدن رستم باخوشان) از دهان رستم پسر رودابهٔ کابلی میگوید :!
(دنباله در ستون سوم)

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر - یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر - یکسال (۱۲۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

(جرقهٔ آذر) اشعارباقی قایل زاده
(دنباله ازصفحهٔ چهارم)

تاکي ازبستراحت نکشم پیکرخویش

چند مانم به گریبان تأمل سرخویش

خواهران گوهراشک طلب حق شماس

عوض سنگ نشانیده به انگشترخویش

ای فروزنده کواکب وطن آیدبه فروغ

ناگهان گریدر آرید رخ ازچادر خویش

معنی پرده نشستن نه عفاف است نه حجاب

گرجابت طلبی حفظ نما گوهرخویش

سرمهٔ سحرمکش دیده شود هرزه درای

داروی معرفت انداز به چشم ترخویش

نامکمل بود این جامعه می گویم فاش

مردها تا نپذیرند زنان یاور خویش

هوس بادهٔ تـزویـر ندارم «باقی»

خون دل می خورم آسوده من ازساغرخویش

...درانجام یک نکته رامزیدبرآنچه درصفحات قبلی درصفت این شاعر تواناو انقلابی ومردمی نوشته ام، اضافه نمایم وبدون مبالغه بگویم که من از مطالعه ومرور اشعار این سخنسرای خوش قریحه و سخن شناس ونازک خیال نهایت لذت بردم ومتحسس شدم و آرزومندم تاآنیکه به نشیده های پراحساس و اجتماعی قایل زاده علاقمندندوشعرهای بدیع شانرا که باترکیبات حسین و تشبیهات بی نظیریونداخته خویش دارند، مطالعهٔ این مجموعهٔ برآزنده را فراموش نکنند...
عبدالرشید بیش از شهر فریمونت، کالیفورنیا /

وگر بردمی دست راسوی سنگ به دستم بدی سنگ چون(بادرنگ)
درحالیکه وقتی ازطرف فارسهاقل قول کرده، کلمهٔ(خیار) رابکار برده.
۴- اگر به تصویر مجسمهٔ فردوسی دقت شود، از شمله وشف دستارش هویداست که به سبک هراتی امروزه بسته شده است. (دنباله دارد)

بازدید هیئت انگلیس از سیستان
(دنباله ازصفحهٔ پنجم)

آسمان بدون ابر و گرمای شدید که در سایه برای چندماه متوالی از یکصد وده الی یک صدونوزده درجهٔ فارنهایت میرسد. چار ماه این مدت ربابادهای یک صدویست روزه میگیرد، این بادتاحدی از گرما جلو گیری نمیکند. در ماههای تابستان دریاها کنراً سیلابی است ودر تمام تابستان هامون ماندنیک دریای بزرگ است وزمین های پست سیستانها زیر آب رفته یادرخطر سیلاب است.

ماناچار بودیم برای خود زمینی انتخاب کنیم که از خطرسیل محفوظ باشد. در فصل هرتابستان بایلدزمین مرتفع را انتخاب کرد. زمین مناسبی که مانتخاب کردیم زمین دشت شن زار ساحل جنوبی رود سیستان بود، بین رودسیستان و رودهرمندیکی از مناظر دیدنی تابستان سیستان است، آزار واذیت پشه های فراوان یک داستان است زیرا درین ایالت این حشره بی اندازه زیاد میباشد.

طوریکه قبلا اشاره شد، درسیتان فصل بهار وجود ندارد، گل وحسی در سیستان نمی روید طوریکه در سایر ممالک دیده میشود، اما طبیعت سیستان طور دیگرست، زیراسیستان یک فصل گمشده را نشان میدهد درین ایالت وجود حشرات یحساب است، ودر آخرین روزهای زمستان گروه گروه پیدامیشوند، پشهٔ خورد(پشهٔ ملاریا) وحشرات پرنده ازهر نوع وخزندگان یحساب آن روی زمین را تا هوا تاریک میکنند، نشستن نزدیک (دنباله درصفحهٔ هشتم)

مغازۀ قالین فروشی شرقی مارکوپولو

به مدیریت عبدالله خواجه

قالین های ما بهترین جنسیت و نقش های زیبا و نفیس دارد

مارکوپولو مرکز بافندگی وعمده فروشی اقسام قالین های بافته شده در افغانستان ،

ایران،ترکیه ، هندوستان و سایر کشورها

در قلب شهر الکسندریه، ایالت ورجینیا در خدمت همه مشتریان، به ویژه هموطنان گرامی

با مناسب ترین قیمت می باشد .

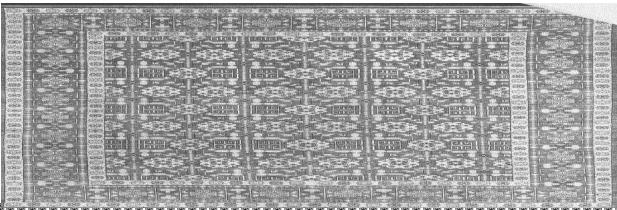
ما بهترین جنس قالین ، قالینچه ، پای انداز،

قالین های مدور، پوش بالش و دوشک را با

نازل ترین قیمت عرضه می کنیم.

بهای قالین در مارکوپولو

قیمت شکن است



خاطرات استادان وشاگردان
لیسهٔ عالی حبیبیه
 بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرابه آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه مارچ ۲۰۱۴ ارسال دارند.
 تلفون ۰۵۷۱-۴۳۵-۴۶۰۴
 mkqawi471@gmail.com
 Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

Omaid Weekly
The Most Widely Read Afghan Publication in the World
 Volume 22, Issue No. 965, January 15, 2014, ISSN 1098-8777
 Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
 P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.
 Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
 Email : mkqawi471@gmail.com

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانندیک نسخهٔ آنرااز مرجع ذیل بدست بیاورند :
 Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

اگامی

معلمین عزیز، متعلمین ومنسوبین سابقه دارلیسهٔ عالی غازی! اینجانب م. کبیرسراج فارغ التحصیل سال ۱۳۴۴خورشیددی آن لیسهٔ گرامی، به خواهش برخی ازفارغ التحصیلان قبلی، آغازبه جمع آوری اطلاعات برای تهیهٔ تاریخچهٔ آن موسسهٔعالی تعلیمی نموده ام، که کاریست بس دشوار، و امریست که به همکاری وسیع دوستان ضرورت دارد. انتظاردارم منسوبین سابقه دارلیسهٔ عالی غازی مرادر تدوین تاریخچهٔ موردنظر یاری نمایند. شماره های تماس : cell: 703- 598- 7891 703- 542- 8107 Email: mkseraj@gmail.com

مراجعین کتابخانهٔ عامه اضافه از ۱۵۰ نفر روزانه میباشد

۱۴جنوری/کابل -باختر:حمیدالله شهرانی رئیس کتابخانه های عامه گفت: بیشتر مراجعین کتابخانه عامه رادانشجویان دانشگاهها تشکیل میدهندونسبت به گذشته کمتر مردم به کتابخانه مراجعه مینمایند.ادلیل کاهش مراجعه به کتابخانه هاراگسترش انترنت و تکنالوژی عصری در کشوردانسته ضمن آنکه یک سلسله مشکلات کتابخانه عامه راالزحلاظ عدم معیاری بودن، نبودجای مناسب، کمبود امکانات و وسایل شمرده گفت باید کتابخانه عامه باعصری ترین وسایل روز تجهیزشود.او تلاش هایش بخاطررشد کتابخانه های عامه اطمینان داده گفت اکنون در کتابخانه عامه اضافه یکصدهزارجلد کتاب شامل ۵۰هزارعنوان مربوط عرصه های مختلف موجودبوده ودریخش های افغانستان شناسی، علوم اجتماعی، ادبیات، بخش کتب اطفال، آرشیف، توزیع کتاب وهمچنان بخش جرایدوروزنامه ها تنظیم بوده و دراختیار علاقمندان قراردارد.

رئیس کتابخانه های عامه از تلاش هایش بخاطر معیاری سازی ورونق بخشیدن کتابخانه های عامه سخن گفته افزودتلاشهای پیگیر مینمایند تاباجلب توجه وهم کاری دولت وسایر نهادهای مختلف کمک کننده، امکانات بیشترخصوص در قسمت عصری ومعیاری سازی کتابخانه های عامه، بتواندنیاز مندهای سایر اقشار جامعه را که علاقمندبه مطالعه و کتابخوانی میناشند، برآورده ساخته وهمچنان از قافله عصرعقب نمانند.شهرانی اضافه کرددرسطح شهر کابل ۱۲ کتابخانه عامه وبشمول کابل درسطح کشور ۸۲ کتابخانه عامه فعال درخدمت مردم قراردارد. وی مردم بخصوص جوانان راتشویق کردیشتر به مطالعه روی بیاورندتا ازیک طرف فرهنگ مطالعه و کتابخوانی رنگ بگیردواز جانب دیگر سطح آگاهی آنها ارتقا یابد.

کتابخانه عامه درسال۱۳۴۵خورشیدی باشعار کتاب برای همه تاسیس شد .

ثبت سه مورد خشونت علیه مردان در بلخ

۱۵جنوری /بلخ -رادیو آزادی:دفتر ساحوی کمیسیون حقوق بشر در ولایت بلخ میگویداز آغازامسال تا کنون سه موردخشونت علیه مردان درین ولایت به ثبت رسیده اند. فوژه به نوایی یک مسئول دفتر ساحوی حقوق بشر-بلخ در صحبتی گفت امسال در چهارولایت شمالی بیش از ۵۰۰ قضیهٔ خشونت علیه زنان نیز به ثبت رسیده اند.اما خانم نوایی میگویداین بار نخست است که موارد خشونت علیه مردان در این دفتر به ثبت میرسند.خانم نوایی گفت در تازه ترین موردیک مرد که از سوی خانمش لت و کوب شده بود، به این کمیسیون مراجعه کرد.وی دلیل به میان آمدن چنین خضوتنها را مشکلات خانوادگی و فقر خواند.

مظاهرةٔ ده ها باشندۀ ولایت غور در کابل

۱۵جنوری/کابل -رادیو آزادی:دههاباشندۀ ولایت غور امرور در اعتراض به غصب زمین هایشان از سوی یک قوماندان وزارت دفاع در شهر کابل مظاهرة کردند. آنان در مقابل ساختمان شورای ملی تجمع کرده ومیگو بندمرادعلی مراد قوماندان قوای زمینی وزارت دفاع دهها جریب زمین آنانرا غصب کرده است.اعتراض کننده ها ازو کلاهی شورا خواستند زمینهای شانرا از نزد آقای مراد گرفته دوباره به آنان واگذار نمایند.وزارت دفاع در مورد تا کنون تبصره نکرده .

توافق شورای ملی بر قانون ثبت احوال نفوس

اول جنوری /کابل -باختر: هیئت مختلط مجلس وسنا موارد اختلافی در قانون ثبت احوال نفوس را فیصله نمود.در جلسه ایکه بریاست میر دادخان نجرابی رئیس کمیسیون امنیت داخلی، امنیت ملی، تحکیم سرحدات وادارهٔ محلی مجلس ومعاونیت روح گل خیرزاد رئیس کمیسیون امور داخلی ودفاعی مجلس سنابر گزارشد، پیرامون موارد اختلافی مجلسین شورای ملی در قانون ثبت احوال نفوس بحث و تبادل نظر صورت گرفت.اعضای جلسه، بدرج تخلص در کنار اسم و درج دین در تذکرۀ تابعیت توافق نمودند.پس از رفع موارد اختلافی، آن را فیصله کردند .

شهر دار کابل فرار نکرده است

۱۲جنوری/کابل -کو کچه: بدنبال خبر فرار شهردار کابل از کشور، یکی از مقام های اداره شهرداری به ارمان ملی گفت شهردار کابل فرار نه بل بخاطر تداوی به هندوستان رفته است.پیش ازین کمیون موصلات ومخابرات مجلس نمایندگان گزارشی را به اعضای مجلس ارائه کرده بود که نشان میداد آقای محمد یونس نواندیش شهردار کابل ملکیتهای دولتی و عامه را به مافیای زمین توزیع کرده است.

در گزارش آمده که شهرداری کابل با ساختن اسناد جعلی ملکیتهای استملاک شده وعامه رابرای تاجران زمین توزیع کرده که در آن بلند منزل ها ساخته شده است. مقام شهرداری افزود آقای نواندیش شهردار کابل قرار است فردا پَس فردا به وطن برگردد. متأسفانه این سروصدا هادر مجلس نمایندگان بخاطر ی بلند شد که آقای نواندیش از زمینهایی که توسط برخی از گزارشگران در ساحه بگرامی کابل غصب می شد، جلوگیری کرد.

غصب و توزیع زمین های دولتی توسط شهرداری کابل، در آجنдай جلسه دیروز مجلس گرفته شده بود؛ اما به دلیل عدم حضور آقای نواندیش به بررسی گرفته نشد.

داکتر عبدالله: رئیس ستره محکمه استعفاء کند

عجنوری/کابل -صدای امریکا:دا کتر عبدالله عبدالله، رهبر ائتلاف ملی افغانستان ویکی از ۱۱نامزد انتخابات ریاست جمهور رسال آینده از کرسی خواست تارئیس نوداد گاه عالی رابرای تاییده ولسی جرگه معرفی کند.این تقاضادر نشست روز یکشنبه کرسی با نامزدان ریاست جمهوری، مطرح گردید.در خبرنامهٔ که از دفتر داکتر عبدالله انتشار یافت آمده که رهبری دستگاه قضایی افغانستان بایداز حالت کنونی خارج ساخته شود.واگر انتخاب قاضی القضا ت جدید زمانگیر است، بهتر است رئیس صاحب کنونی ستره محکمه استعفاء کنند و یکنن از قضا ت عضو ستره محکمه الی انتخاب رئیس جدید بعنوان سر پرست ایفای وظیفه نمایند.

عبدالسلام عظیمی برای بیشتر از سه سال بچیت سرپرست ستره محکمه ایفای وظیفه میکند. آقای عظیمی در سال ۰۰۶ بهیچت قاضی القضا ت ورئیس دادگاه عالی گماشته شد.بر اساس ماده ۱۷ قانون اساسی، دادگاه عالی باید محضو داشته باشد که سه تن آنها برای دورهٔ کاری چهار سال، سه تن برای هفت سال وسه تن برای دهسال تعیین میشوند. بر مبنای قانون، تعیین اعضا برای بار دوم جواز ندارد و رئیس جمهور یکی از اعضا را بچیت رئیس دادگاه عالی تعیین میکند.

خبرنامه حاکیست که دیگر نامزدان ریاست جمهوری، در جریان ملاقات روز یکشنبه با کرسی، خواهان تداوم کار عظیمی شدند.نظر میرسد تقاضای عبدالله برای کنار رفتن عظیمی از بالاترین مسند قضایی افغانستان، به تجربهٔ او ازدور گذشته انتخابات ریاست جمهوری برگردد که در جریان انتخابات بحث برانگیز سال ۰۰۹، ۴۰۰۰ بیشتر از موقف کرسی حمایت ورزیده بود.

ریاست جمهوری افغانستان تا حال در مورد درخواست دا کتر عبدالله برای گزینش رئیس نو ستره محکمه، واکنشی نشان نداده است.

بچه بازی در افغانستان جرم نیست، توسعه یافته است

۵جنوری/کابل -صدای امریکا:سیماسمر، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفت بچه بازی در این کشور به حدی سابقه افزایش یافته است. در افغانستان، استفاده جنسی ودیگر بهره کشیهای فزیدی وروانی از پسران خردسال بمقاصد خوشگذرانی مردان را بچه بازی میگویند.خانم سمر نگرانیهای این کمیسیون راباخیر نگرانان در میان گذاشت وگفت ممکست پیش از جنگ هم این پدیده وجود داشته ولی به این وسعت که فعلا وجود دارد نبوده باشد. بسیار وحشتناک است.او برای تثبیت نگرانیهایش آمار وارقامی ارائه نکرد اما گفت کمیسیون مستقل حقوق بشر کمپاین آگاهی و مستندسازی در باره بچه بازی را آغاز کرده است.

یکی از عوامل اساسی که گفته میشود در گسترش بچه بازی نقش دارد، گنگ بودن ماهیت جرمی این پدیده در قوانین و نظام عدلی افغانستان است.به گفتهء سیماسمر حداقل بچه بازی جرم پنداشته نمیشود.اوشماری از زور مندان محلی ومقامهای دولتی رابه چشم پوشی از ارتکاب بچه بازی متهم کرد.وگفت برخی از مقامهای تنفیذ قانون نه تنها اینکه بچه بازی را جرم نمیشمارند بلکه خود در محافلی اشتراک میورزند که در آن از اطفال برای سرگرمی استفاده می شود. هر نوع استفاده جنسی از اطفال در بسیاری از کشورهای جهان جرمی است که مجازات سنگین در قبال دارد. آگاهان میگویند در شرعت اسلامی هم که اساس قوانین جزایی افغانستان را تشکیل میدهد، بچه بازی حرام و مستوجب مجازات شدید است.

کمیسیون حقوق بشر افغانستان میگوید بد ضعیف بودن نهادهای انفاذ قانون، موجودیت فرهنگ معافیت برای زور مندان و وجود گستردهء فساد در دستگاه دولت باعث میشود تا اطفال همچنان قربانی بچه بازی شوند .

گر جستان دوصد سربازش را از افغانستان بیرون می سازد

۱۴جنوری /بشکیک -باختر: گر جستان به ۲۰۰سربازش را از افغانستان بیرون میسازد. مقامهای گر جستان گفته اند این سربازان در آنبندۀ نزدیک افغانستان را ترک خواهند کرد.سربازان گر جستانی تحت رهبری نیروهای امریکادرو لایت هیرمند ایفای وظیفه می کنند. گر جستان ۱۵۶۰سرباز در افغانستان دارد که بیشتر آنان در جنوب جایجا اند.از آغاز ماموریت سربازان این کشور در ۲۰۰۴در افغانستان، تا کنون ۲۷ سربازش در خشونت ها، جان باخته اند.

در حمله انتحاری کابل دوفقر شهیدو ۲۰آقرز خمی شدند

۱۲جنوری/کابل -باختر: در حمله انتحاری که عصر امرور در رساحه یکه توت رخ داد ، دوفقر شهیدو ۲۰تن زخمی شدند .روح الله آمر مبارزه باجرام جنایی حوزه نهم امنیتی گفت :این حمله انتحاری در نزدیک موتر کار مندان مرکز تریوی پلیس واقع یکه توت شهر کابل رخ داد.در میان زخمی ها اطفال و زنان نیز شامل میباشند.

اشتراک هفته نامهٔ امید بهترین تحفه برای دوستان است.

جلسهٔ برای ایجاد هماهنگی تبلیغات نامزدان دایر شد

عجنوری/کابل -باختر: بریاست دا کتر سیدمخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ امروز جلسهٔ جهت ایجاد هماهنگی برنامه های تبلیغاتی نامزدان انتخابات ریاست جمهوری و بحث روی طرز العمل کاری کمیسیون رسانه های کمیسیون مستقل انتخابات برگزار شد.در این جلسه که به اشتراک سیمین غزل حسن زاده معین امور نشراتی، رئیس عمومی رادیو تلویزیون ملی، رئیس ومعاون کمیسیون رسانه های انتخابات برگزار شد، در مورد چگونگی فعالیتهای رسانه های دولتی و غیردولتی در زمان انتخابات بحث و تبادل نظر صورت گرفت.درین جلسه طرز العمل کاری کمیسیون رسانه ها وایلسی وزارت اطلاعات و فرهنگ در مورد پوشش انتخابات مورد مذاقه قرار گرفت.همچنان در جلسه مسألهٔ راه اندازی مناظرۀ نامزدان انتخابات در تالار رادیو و تلویزیون ملی مورد تأیید قرار گرفت. طرز العمل کمیسیون رسانه های کمیسیون انتخابات بادر نظر داشت تعدیلات پیشنهادی اصحاب رسانه ها ترتیب شده وقرارست به زودی پس از تصویب نهایی به دسترس رسانه های همگانی قرار گیرد .

پارک تفریحی در مزار شریف افتتاح شد

۱۵جنوری/مزار شریف -باختر: پارک تفریحی ناحیه هشتم شهر مزار شریف امروز افتتاح شد. محمد یونس مقیم شهردار مزار شریف گفت این پارک به مصرف یکصدویست و پنج هزار دالر امریکایی به کمک مالی اداره برنامه های انکشافی ایالات متحده امریکا در ساحه دوجریب زمین ساخته شده است. وی اضافه کرد درسطح شهر مزار شریف ده پارک تفریحی خرد وبزرگ وجود دارد، و کاریک پارک تفریحی دیگر نیز در ناحیه پنجم جریان دارد.

پوتین: ملک عبدالله زودتر از اسد می رود!

۱۵جنوری/ریاض -شبکهٔ اطلاع رسانی افغانستان:خبرها حاکی از سفر نماینده ویژه ولادیمیریو تین به ریاض و رساندن پیام وی به سر دمداران عربستان است.به گزارش LHV: طی اعلام برخی منابع آگاه، پوتین در نامه ایکه به عبدالله پادشاه عربستان نوشته است، تأکید کرده که انفجارهای تروریستی چند روز پیش در شهر ولوگرا د با دخالت عربستان اتفاق افتاده است. پوتین به مقامات سعودی تذکر داده که با دم شیر بازی نکنند. وی در نامه خود به عربستان هشدار دادو نوشت: روسیه فعلی روسیه پوتین است نه روسیه یوریس یلتسین یاحتی اتحاد شوروی گورباچف! پوتین در نامه خود آورده : خون هاییکه از شهر وندان ما جاری شد ، همچون سیل کشور شمارا فرا خواهد گرفت و برای شما هیچ کشتی نجاتی باقی نمانده ویی شک سرنگونی خاندان آل سعود اولی تر از کناره گیری بشار اسد از قدرت است.طبق اطلاعات رسیده، دیدار فرستاده ویژه پوتین باملک عبدالله که پانزده دقیقه طول کشیده بود، شاهد تلاشهای مذبو حانه پادشاه آل سعود برای تخفیف شدت خشم روس ها بود، زیرا که آنها تا به حال اینگونه مورد تهدید جدی و آن هم تا این سطح قرار نگرفته بودند.

شنیده شده که پیشتر نیز مقامات ایرانی در خصوص عدم دخالت عربستان در مناطق انبار و فلوجه عراق به مقامات آل سعود هشدار داده بودند .لازم به ذکر است دولت عراق دور جدیدی از حملات را بر علیه مواضع تروریستهای مورد حمایت عربستان سعودی در ولایت انبار و شهر فلوجه از سر گرفته اند .

باز دیدهیئت انگلیس از سیستان (دنباله از صفحهٔ هفتم)

روشنایی غیر ممکن است، نمیتوان در برابر چراغ غذا خورد . پیشروان دیگری راهم میتوان گفت منادی رسیدن بهار سیستان است، که عبارت از قتل مکان نمودن افعی های فراوان این ایالت از محل زمستانی خود حرکت کرده به جاهای مناسب میروند. وقتیکه باد کذایی تابستان شروع میشود، این حشرات و گزنده هارا متفرق میکند و برای مدتی انسان از زحمت آنها راحت میشود. اگر اتفاقا شیی با آرام گیرد، فوری این حشرات پیدامیشوند، اسپها و شترها وسایر حیوانات نیز آزاد و اذیت خود را ازین حشرات دارند. از خطرناکترین این حشرات یکی هم خرمگس است که در تابستان حیوانات را بسیار صدمه میزند و از نیش آنها خون جاری میگردد. بدترین این هالین مگسهامین خرمگس است که از وجود آن از یک نوع مرضی مهلک و خطرناک پی ببریم، که در سیستان وجود دارد، و برای اسپها و شترها بسیار خطرناک است. این مرض رادر هندوستان (سارا) می گویند که مامیکروب آنرا در اینجا اتفاقا پیدا کردیم، و با گرفتن یکی ازین خر مگسها میکروب آن مرضی را در وجود آن پیدا کردیم . سارا باطاعون هند بالای خطرناکی است که در سیستان نیز رسیده است وسکتهٔ آند بار را قتل عام کرد. حیوانات اهلی از قبیل اسپ، شتر، گاو و گوسفندهمه را ازین میبردو حیوانات وحشی رانابود کرده، اما اینکه چگونه این مرض از هندوستان به سیستان راه پیدا نموده، شکی وجود ندارد و روزی آشکار خواهدشد.

ما برای اینکه اسپهای خود را از شر آن حفظ کنیم، ناچار شدیم از اهالی سیستان پیروی کنیم واسپهای خود را با پیچانیدن پتویه دور آنها حفظ کنیم حتی در موقع سواری، با بالبحال صدها نفر از این شتران خود را از دست دادیم، از ۱۲۰۰اسپ سواری، ۱۲۰نیز تلف شدند.

شاید تا اینجا اندازهٔ کافی باشد که گرمی وحشرات تابستان آن ایالت آگاه شوید.(شرح مشکلات زمستانی در شمارهٔ آینده)